

۲
میهنخوش‌خبری
آزادی چهره‌های سیاسی و مدنی۳
افقلندن میزبان ترامپ
رئیس‌جمهور آمریکا به انگلیس رفت۴
کافهدر امتداد پدر
ثمینه باغچه‌بان درگذشت۷
کوچهناگهان آنتن پرید
درباره ۱۲ هزار آیفون بلاتکلیف

زیر فشار ماشه

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران با وزرای امور خارجه سه کشور اروپایی و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت‌وگو کرد

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



روز چهارشنبه، وزارت امور خارجه آلمان با انتشار اطلاعیه‌ای از گفت‌وگوی تلفنی وزرای خارجه آلمان، انگلیس و فرانسه همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با

«سیدعباس عراقچی»، وزیر امور خارجه ایران خبر داد. این تماس تلفنی در راستای ادامه تلاش‌های دیپلماتیک با ایران انجام شد و محور آن برنامه هسته‌ای ایران و نحوه اجرای تعهدات برجای بود. در اطلاعیه وزارت امور خارجه آلمان آمده است که «وزرای امور خارجه سه کشور اروپایی و نماینده عالی اتحادیه اروپا، تماسی تلفنی با همتای ایرانی خود برای ادامه

تلاش‌های دیپلماتیک برقرار کردند». آنها در اظهارات خود مدعی شدند که «ایران هنوز اقدامات منطقی و دقیقی که برای دستیابی به تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ لازم است را انجام نداده است» و تأکید کردند که ایران باید «مذاکرات را از سر بگیرد، اجازه بازرسی از سایت‌های حساس را بدهد و به ذخایر اورانیوم غنی شده با غلظت بالا رسیدگی کند». «کایا کالاس»،

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز در این گفت‌وگو اظهار کرد: «ایران باید همکاری کامل خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان دهد و بدون تأخیر اجازه بازرسی از سایت‌های هسته‌ای را بدهد». او همچنین هشدار داد: «پنجره برای یک راه‌حل دیپلماتیک برای برنامه هسته‌ای ایران در حال کوچک شدن است».

ادامه در صفحه ۳



یوهان وادفول، وزیر امور خارجه آلمان



ژان نوبل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه

کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا: پنجره راه‌حل دیپلماتیک برای برنامه هسته‌ای ایران در حال کوچک شدن است



کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا



ایوت کوپر، وزیر امور خارجه بریتانیا

دیدار قبل از ماشه

صادق زیباکلام در گفت‌وگو با سازندگی از سفر پژوهشگران به نیویورک و احتمال دیدار با ترامپ سخن گفت

۲
ایران

یادداشت روز

گره‌گور

برای پایان یافتن فشارهای دیپلماتیک چه باید کرد؟

علی بیگدلی

کارشناس مسائل بین‌الملل



زمان چندانی تا پایان مهلت ۳۰ روزه از تاریخ نامه سه کشور اروپایی به شورای امنیت برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه باقی نمانده است. در این مدت، ایران فرصت را در اختیار دیپلماسی محرمانه خود قرار داده است؛ سفری که علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی به عربستان سعودی انجام داد، نمونه‌ای از همین تلاش‌هاست. با این حال، واقعیت این است که نزدیکی روزافزون روابط آمریکا و عربستان و پیوند شخصی محمد بن سلمان با دونالد ترامپ باعث نمی‌شود چنین اقداماتی برای ایران کافی باشد. عربستان نه خواستار تبدیل ایران به کشوری هسته‌ای است و نه علاقه‌مند به تداوم برنامه موشک‌های دوربرد تهران؛ بنابراین نمی‌توان چندان به میانجی‌گری ریاض امید بست.

ضمن آنکه باید در نظر داشت که سه کشور اروپایی و آمریکا در مذاکرات اخیر مواضع و سخت‌گیری‌هایی فراتر از حد انتظار داشته و خواسته‌هایی حداکثری را روی میز گذاشته‌اند: توقف غنی‌سازی، تعیین تکلیف ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم، عدم حمایت از گروه‌های مقاومت و محدود شدن برد موشک‌ها به ۴۵۰ کیلومتر. طبیعی است که در چنین شرایطی، سفرهای دیپلماتیک محرمانه به‌سختی می‌تواند، گره‌ای بگشاید. در عین حال، موضوع غنی‌سازی همچنان کانون اصلی اختلاف است. شاید اشتباه ایران این بود که طی سال‌ها، انتظارات مردم را در این زمینه بیش از حد بالا برد؛ اکنون عقب‌نشینی برای تهران دشوار و هزینه‌بر خواهد بود. اگر ایران نتواند در فرصت باقیمانده اقدامی رضایت‌بخش انجام دهد، احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه بسیار جدی است.

البته روند قانونی این مکانیسم پس از ارجاع پرونده به شورای امنیت همچنان یک ماه زمان خواهد برد: ۱۵ روز اول برای کمیسیون مشترک و ۱۵ روز دوم برای نشست وزرای خارجه اروپایی. اما مشکل اصلی آنجاست که به نظر می‌رسد در نظام تصمیم‌گیری ایران، حالتی از یأس و بلاتکلیفی حاکم است. ما ابتکار عمل را از دست داده‌ایم و هرگونه ارجاع پرونده به شورای امنیت، شرایط را برای ایران دشوارتر خواهد کرد. مسئولان وزارت خارجه این اقدام اروپایی‌ها را «بی‌اخلاقی» می‌دانند اما باید پذیرفت که در دنیای سیاست، اخلاق تعیین‌کننده نیست و منافع ملی حرف اول و آخر را می‌زند.

اگر مکانیسم ماشه فعال شود، ایران در تنگنای اقتصادی و سیاسی تازه‌ای گرفتار خواهد شد. در چنین شرایطی تنها ابتکار عمل می‌تواند کارساز باشد: دادن مجوز به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کاستن از سطح تنش‌ها. پرسش جدی این است که چرا ایران از این اقدام خودداری می‌کند؛ در حالی که تصمیمات شورای عالی امنیت ملی می‌تواند بر مجلس برتری داشته باشد. در چنین فضایی که زمان به سرعت سپری می‌شود، مقام‌های تصمیم‌گیرنده نیز سکوتی پرهزینه را در پیش گرفته‌اند. این وضعیت انجماد به‌طور بالقوه، خطری بزرگ برای کشور است.

در نهایت اگر پرونده ایران بار دیگر ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار گیرد، زمینه برای حمله احتمالی آمریکا و اسرائیل به کشور باز خواهد شد. اکنون ایران در چهارضلعی آمریکا، اروپا، اسرائیل و آژانس اتمی قرار گرفته و هرچه زمان می‌گذرد، تنش‌ها رو به افزایش است. راه‌حل خروج از این بن‌بست، بازگشت به همکاری کامل با آژانس است که توافق اخیر در قاهره، نمونه موثقی از آن بود. با پذیرش بازرسی‌ها و انتشار شفاف گزارش‌ها می‌توان امید داشت که این گره کور دیپلماتیک اندکی گشوده شود.

قصا

خوش خبری

چند چهره مدنی و سیاسی آزاد شدند



روز گذشته، فخرالسادات محتشمی‌پور، همسر مصطفی تاج‌زاده در اینستاگرام خبر از آزادی محمدباقر بختیار داد و نوشت: «خوش خبری؛ همسر جان گفت، خبر آزادی سردار بختیار را در بیمارستان به او داده‌اند. چشم عزیزانش روشن». محمدباقر بختیار، فعال سیاسی، اردیبهشت ماه سال جاری جهت اجرای حکم حبس راهبی زندان اوین شد. بختیار پیش‌تر با حکم دادگاه به دو سال زندان محکوم شده بود. او در جریان تجمع ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۳ که در اعتراض به تادوم حصر خانگی سه چهره سیاسی برگزار شده بود، دستگیر و بیش از یک ماه را در بازداشت سپری کرد. پیش از این نیز چهار فعال مدنی و سیاسی به نام‌های نسرین جوادی، کبری بیگی، زهرا بنکدارتهرانی و مولود صفایی روز دوشنبه ۲۴ شهریور از زندان آزاد شده بودند. این آزادی‌ها در ادامه آزادی مهدی محمودیان، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی انجام شد. مهدی محمودیان، فعال سیاسی ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ با اجرای حکم دادگاه روانه زندان شد. حکم محمودیان به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» صادر شده بود. طبق این حکم علاوه بر حکم حبس که او ۸ ماه تمام آن را تحمل کرده است باید پس از آزادی، مجازات‌های تکمیلی نظیر منع عضویت در احزاب و دسته‌جات، منع استفاده از تلفن هوشمند را تحمل کند همچنین ممنوعیت خروج از کشور برای او در نظر گرفته شده است. اتهامات مطرح شده علیه محمودیان به واکنش او نسبت به تکذیب اولیه گزارش «ضیا نبوی» درباره وجود ساس در زندان‌ها بازمی‌گردد. مهدی محمودیان تا به امروز نزدیک ۱۰ سال حبس را تحمل کرده است. نسرین جوادی، کبری بیگی، زهرا بنکدارتهرانی و مولود صفایی نیز پس از تحمل دوران محکومیت نهایتاً به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند. هر یک از این زندانیان دارای پرونده‌های قضایی متفاوتی بودند. نسرین جوادی به دلیل شرکت در تجمع روز جهانی کارگر در سال ۱۳۹۸ به ۵ سال زندان محکوم شده بود. مولود صفایی نیز در خرداد ماه سال ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به چهار سال زندان محکوم شده بود. این آزادی‌ها پس از عفو رهبری و در ادامه سلسله آزادی‌های اخیر زندانیان سیاسی صورت گرفته است. جزئیات پرونده‌های قضایی کبری بیگی و زهرا بنکدارتهرانی هنوز به طور کامل منتشر نشده است.

دولت

واکنش وزیر کار

به احتمال استیضاحش

امضاهای طرح برای دی ماه است

وزیر کار به امضای ۵۸ نماینده مجلس برای طرح استیضاحش واکنش نشان داد. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز گذشته در حاشیه جلسه هیأت دولت در واکنش به امضای ۵۸ نماینده مجلس برای طرح استیضاحش به خبرگزاری خبرآنلاین گفت: این امضاها برای دی ماه است که در دو هفته گذشته به هیأت رئیسه ارجاع شد. موضوع جدیدی نیست و امضاها از قبل بوده است. وی درباره اینکه با نمایندگان در این باره جلسه داشته است، پاسخ داد، خبر جلسه‌ای نداشتیم. استیضاح احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اخیراً با ۵۸ امضای نمایندگان مجلس شورای اسلامی به هیأت رئیسه ارجاع شد. این اقدام در پی انتقاداتی نسبت به عملکرد وزارتخانه به‌ویژه در زمینه عزل و نصب‌های مشکوک، مطرح شد. احمد فاطمی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، با اشاره به اینکه این مساله به ۷ یا ۸ ماه پیش بازمی‌گردد، تأکید کرد که طرح استیضاح در شرایط کنونی به صلاح نیست. در جلسه‌ای که پیش‌تر در اسفند ماه سال گذشته برگزار شد، سؤال کتبی نمایندگان درباره علت برخی جابه‌جایی‌های مشکوک در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطرح شد.

دیدار قبل از ماشه

صادق زیباکلام در گفت‌وگو با سازندگی از سفر پزشکیان به نیویورک و احتمال دیدار با ترامپ سخن گفت

عاطفه شمس

گروه سیاسی



هر سال، موعد سفر رؤسای جمهور ایران به نیویورک که می‌رسد، یک انتظار غیررسمی و یک بحث قدیمی دوباره زنده می‌شود. بحث تکراری احتمال دیدار رئیس جمهور ایران و آمریکا و اینکه این سفر چه فایده‌ای برای کشور دارد؟ صادق زیباکلام، استاد دانشگاه و فعال سیاسی، در گفت‌وگو با «سازندگی» این سفرها را بی‌نتیجه می‌داند و بی‌پرده می‌گوید که دلیل اصلی بی‌ثمر بودن این سفرها، نگرانی رؤسای جمهور

به نظر شما مشکل اصلی رؤسای جمهور ایران در سفر سالانه به نیویورک چیست؟

مهم‌ترین گرفتاری و مشکل همه رؤسای جمهور ایران این بوده که وقتی به نیویورک می‌روند به جای اینکه تمرکزشان روی منافع ملی باشد، یا تلاش کنند تنش‌ها را کاهش بدهند و چیزی بگویند که واقعا به نفع کشور باشد، تمام حواسشان به این است که طوری صحبت کنند که وقتی برگشتند، انقلابیون و تندروها برایشان دست بزنند و بگویند: «آفرین، باریکلا!» برایشان مهم نیست این حرف‌ها چه کمکی به حل مشکلات می‌کند؛ فقط دنبال رضایت همان رادیکال‌ها هستند.

با این حال، دستاورد سفرهای قبلی و سخنرانی رؤسای جمهور سابق در سازمان ملل چه بوده و چه مشکلی از سیاست خارجی ایران حل کرده؟

هیچی. این بار هم آقای پزشکیان درست مثل بقیه سخنرانی می‌کند و همان حرف‌های همیشگی را می‌زند که ایران هیچ‌وقت جنگ‌طلب نبوده، همه اقدامات ما در چارچوب قوانین بین‌المللی بوده، ما خواهان ثبات منطقه‌ایم، به همسایه‌ها احترام گذاشته‌ایم، قصد دخالت در کشورهای دیگر را نداریم و اجازه دخالت هم به دیگران نمی‌دهیم. درباره فعالیت‌های هسته‌ای هم می‌گوید همه چیز صلح‌آمیز است و تجهیزات دفاعی فقط برای حفاظت از کشور ساخته شده‌اند. بخشی از حرف‌هایش هم مربوط به مذاکرات اخیر می‌شود و می‌گوید با حسن‌نیت وارد شدیم و انتظار حمله نداشتیم. درباره اسرائیل هم صحبت خواهد کرد اما نه درباره راه‌حل دو دولتی. بعد هم به ایران برمی‌گردد.

درباره دیدار احتمالی پزشکیان با ترامپ چه فکر می‌کنید؟ فکر می‌کنید احتمال چنین دیداری وجود دارد؟

راستش در جمهوری اسلامی هیچ رئیس‌جمهوری شهادت این را نداشته که برای منافع ملی مستقیم با رئیس‌جمهور آمریکا ملاقات کند. همه ما به یاد داریم، حضور همزمان خاتمی و کلینتون در سازمان ملل چه حواشی داشت یا روحانی که فقط یک مکالمه کوتاه تلفنی با اوباما داشت و تندروها چه همه‌ای علیه او به راه انداختند. بنابراین احتمال دیدار مستقیم تقریباً صفر است.

این انتظار برای دیدار بیشتر ساخته سیاست‌یون است یا واقعا مردم هم چنین خواسته‌ای دارند؟

اگر همین امروز در میدان انقلاب نظرسنجی کنید، مطمئن باشید بالای ۸۰، ۹۰ درصد مردم می‌گویند بله، رئیس‌جمهور باید با ترامپ دیدار کند تا این دشمنی ۴۶ ساله با آمریکا تمام شود.

واکنش

عکس پر حاشیه

روایت‌های متضاد از برخورد صمیمانه پزشکیان و اردوغان در اجلاس سران کشورهای اسلامی

تصویری از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در حاشیه نشست اضطراری سران کشورهای اسلامی در دوحه در روزهای اخیر به یکی از پربازدیدترین سوزها در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد. عکس‌هایی که لحظه‌ای غیررسمی و متفاوت از برخورد این دو رئیس‌جمهور را نشان می‌داد بلافاصله واکنش‌های گسترده‌ای از رسانه‌ها و کاربران را به دنبال داشت؛ واکنش‌هایی که عمدتاً بر «عدم رعایت تشریفات دیپلماتیک» متمرکز بودند.

روز گذشته دفتر رئیس‌جمهور به این انتقادات واکنش نشان داد. در توضیح رسمی دفتر ریاست‌جمهوری آمده است: «دکتر پزشکیان در مسیر رفتن به جایگاه خود پیش از آغاز اجلاس، رئیس‌جمهور ترکیه را پشت میز دیدند و دوستانه دستی به پشت ایشان زدند.

از واکنش تندروهاست. او معتقد است آنها به جای تمرکز بر منافع ملی، بیشتر به این فکر می‌کنند که بعد از بازگشت، انقلابی‌ها و رادیکال‌ها برایشان کف بزنند. زیباکلام توضیح می‌دهد که در همه دولت‌ها، از گذشته تا امروز، سخنرانی‌ها در سازمان ملل تقریباً یکسان بوده و پیش‌بینی می‌کند که سخنرانی مسعود پزشکیان هم همین خط را دنبال کند و البته بخش‌هایی هم به مذاکرات اخیر و وضعیت اسرائیل اختصاص یابد. اما نتیجه به گفته او، فرقی با قبل ندارد: «هیچ‌کدامشان گره‌ای از مشکلات سیاست خارجی ایران باز نکرده‌اند».

اما داغ‌ترین موضوع، احتمال دیدار رئیس‌جمهور ایران با رئیس‌جمهور آمریکا است. زیباکلام یادآوری می‌کند که در تاریخ

جمهوری اسلامی هیچ رئیس‌جمهوری، شهادت چنین دیداری را نداشته است. او می‌گوید چنین دیداری «سد بزرگی» را می‌شکند و آغاز پایان دشمنی ۴۶ ساله ایران و آمریکا خواهد بود. زیباکلام همچنین به فرصت‌های دیگر سفر اشاره می‌کند مثل امکان استفاده از تریبون برای نشان دادن آمادگی ایران در همکاری با آژانس و اروپا یا ارسال پیامی مثبت به جامعه جهانی. حتی می‌گوید همین احتمال دیدار دوستانه با آمریکا می‌تواند، نگرانی اسرائیل را بیشتر کند. او تأکید می‌کند که رمز تفاوت سفر امسال با همه سفرهای گذشته فقط یک چیز است: «رئیس‌جمهور باید جسارت داشته باشد و به جای راضی نگه داشتن تندروها، سخنانش را بر اساس منافع ملی کشور بگوید».



کشورهای اروپایی در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز است و موضعی محکم و بدون اما و اگر در این زمینه اتخاذ کند. برخی معتقدند که دیدار احتمالی ایران و آمریکا می‌تواند روی توقف مکانیسم ماشه اثر بگذارد. آیا ترامپ می‌تواند اروپایی‌ها را منصرف کند؟

قطعا بی‌تأثیر نیست. گرچه کشورهای اروپایی با ترامپ مشکلاتی دارند ولی نباید فراموش کنیم که اگر دیدار دوستانه‌ای بین ایران و آمریکا برای اولین بار بعد از ۴۷ سال اتفاق بیفتد حتی فراتر از مساله مکانیسم ماشه، تأثیرات زیادی خواهد داشت. همین احتمال بهبود روابط ایران و آمریکا، کابوس نتانیاهوست. نتانیاهو، تندروهای اسرائیل، فرماندهان نظامی و دولت دست راستی آن اصلاً نمی‌خواهند، ایران و آمریکا تنش‌زدایی کنند و اتفاقاً برایشان مطلوب این است که دشمنی بیشتر هم شود.

برای اینکه این سفر متفاوت باشد و دستاوردی داشته باشد، رئیس‌جمهور باید چه کند؟

رؤسای جمهور ایران همیشه فکر کرده‌اند باید طوری صحبت کنند که در ایران خوشایند تندروها باشد تا آنها بهانه حمله پیدا نکنند. ولی اگر پزشکیان می‌خواهد، سفرش فرق داشته باشد باید جسارت به خرج بدهد و در جهت منافع ملی حرف بزند نه صرفاً برای رضایت تندروها.

چنین دیداری یک سد بزرگ را می‌شکند و می‌تواند، آغاز پایان این دشمنی بیهوده باشد.

و اگر چنین دیداری انجام شود به نتیجه مطلوب منتهی خواهد شد؟

به هر حال یک سد بزرگ می‌شکند، یک مانع تاریخی برداشته می‌شود. همین خودش یعنی آغاز پایان دشمنی بی‌هدف با آمریکا است.

اما تجربه تاریخی نشان داده که برای چنین دیداری باید نظر مقامات ارشد نظام هم مثبت باشد. پس چرا هر سال بحث دوباره مطرح می‌شود؟

چون این بحث در واقع یک آرزوست، یک امید، یک روزنه کوچک در انتهای تونل. همیشه این سؤال پیش می‌آید که چه می‌شد اگر رئیس‌جمهور ایران با آمریکا ملاقات می‌کرد؟ شاید دری باز می‌شد شاید این دشمنی کور تمام می‌شد. همین امید باعث می‌شود هر سال دوباره مطرح شود.

این سفر قبل از اجرای اسنپ‌بک انجام خواهد شد. به نظر شما این سفر می‌تواند، فرصتی برای ایران باشد تا جلوی اجرای اسنپ‌بک را بگیرد؟

بله، ایران می‌تواند تا حدودی از این فرصت استفاده کند حتی اگر تأثیر آن روی آمریکا محدود باشد. رئیس‌جمهور می‌تواند رسماً اعلام کند که آماده هرگونه تفاهم و همکاری با آژانس و



زیدی برخورد دارند و ممکن است، برداشت‌های متفاوتی در افکار عمومی ایجاد کنند اما همان‌طور که در توضیح دفتر ریاست‌جمهوری هم تأکید شده باید بین صمیمیت‌های دوستانه در حاشیه اجلاس‌ها و مناسبات رسمی تمایز قائل شد و نباید از یک تصویر، قضاوتی کلان درباره سیاست خارجی کشور ساخت.

ادامه تیتربیک

زیر فشار ماشه

یک سخنگوی وزارت امور خارجه آلمان نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه گفت: «توپ در زمین ایران است» و افزود که «پیشنهاد برای تمدید موقت اسنپ‌بک در صورت انجام تعهدات مشخص از سوی ایران روی میز است.» او در ادامه مدعی شد: «در حال حاضر، گام‌های برداشته شده توسط ایران کافی نبود.»

در همین حال، سه کشور اروپایی بار دیگر بر عزم خود برای پیشبرد اعمال مجدد تحریم‌ها بدون اقدامات مشخص از سوی ایران تأکید کردند. این اظهارات نمونه‌ای از ادامه سیاست فشار اروپا بر ایران است و در حالی صورت می‌گیرد که ایران بر روایت کامل و تاریخی برجام تأکید دارد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، در نشست خبری هفتگی خود در واکنش به مواضع اخیر کشورهای اروپایی درباره توافق ایران و آژانس در قاهره و گفت‌وگوی عراقچی با وزرای خارجه سه کشور اروپایی اظهار کرد: «ما با آژانس به یک شیونامه و روش مشخص برای ایفای تعهدات پادمانی در شرایط جدید دست یافته‌ایم. این تفاهم یک‌جانبه نبوده و مورد پذیرش و رضایت مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز قرار گرفته است».

اروپا

لندن میزبان ترامپ

رئیس‌جمهور آمریکا به انگلیس سفر کرد

گروه بین‌الملل: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، روز سه‌شنبه وارد لندن شد تا دومین سفر رسمی خود به بریتانیا را آغاز کند؛ سفری دو روزه که بین ۱۷ تا ۱۹ سپتامبر (۲۶ تا ۲۸ شهریور) برنامه‌ریزی شده است. این سفر، برخلاف صرفاً جنبه تشریفاتی، مجموعه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماتیک را پیش روی بریتانیا و ایالات متحده قرار داده و همزمان واکنش‌های گسترده‌ای در سطح جامعه مدنی این کشور برانگیخته است.

سفر پیشین ترامپ به لندن در سال ۲۰۱۹ که با اعتراض‌های وسیع خیابانی و نمادین‌شدن «بالون کودک ترامپ» همراه شد، هنوز در ذهن شهروندان باقی است. اکنون با ورود مجدد رئیس‌جمهور آمریکا، سازمان‌های مدنی و گروه‌های مخالف از جمله ائتلاف «توقف ترامپ» بار دیگر صداهای خود را بلند کرده‌اند. این ائتلاف در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ترامپ و سیاست‌های اقتدارگرایانه‌اش در انگلیس جایی

ندارد و نخست‌وزیر نباید برای او فرش قرمز پهن کند». اعتراض‌ها نه تنها علیه ترامپ بلکه علیه پذیرش او توسط دولت بریتانیا نیز بود و بسیاری غیاب او در لندن و دیدار با نخست‌وزیر در خارج از پایتخت را یک پیروزی برای پویش خود می‌دانند.

مخالفان به شدت سیاست‌ها و روابط پیشین ترامپ به ویژه ارتباطات او با جفری اپستین محکوم‌شده را محکوم کردند. در اقدامی تحریک‌آمیز، تصاویر ترامپ و اپستین بر دیوارهای قلعه ویندسور پخش شد و منجر به بازداشت ۴ نفر شد. شعارهای معترضان همچنان حاکی از مخالفت ریشه‌دار با حضور

ترامپ در خاک بریتانیا بود: «بلند بگوید، واضح بگویید، دونالد ترامپ اینجا خوش نیامده است». این اعتراض‌ها نمایانگر شکاف عمیق در افکار عمومی نسبت به رهبری ترامپ و پذیرش او در خارج از آمریکاست.

با ورود ترامپ و بانوی اول، ملانیا ترامپ، مراسم رسمی استقبال با حضور پادشاه چارلز سوم، ملکه کامیلا و دیگر اعضای خاندان سلطنتی در قلعه ویندسور برگزار شد. این مراسم شامل پرواز مشترک جنگنده‌های آمریکایی و بریتانیایی، نگهدانی از ۱۳۰۰ سرباز و ۱۲۰ اسب و ضیافتی رسمی در سالن سنت جورج بود؛ بزرگ‌ترین گردهمایی برای یک بازدید رسمی در تاریخ معاصر بریتانیا. با این حال ترامپ در بدو ورود خود دوباره پروتکل سلطنتی را نادیده گرفت و

وی افزود: «اینکه برخی کشورهای اروپایی اکنون به انتقاد و بیان این‌گونه اظهارات مبنی بر اینکه این توافق کافی نیست، روی آورده‌اند، نشان می‌دهد که ظاهراً حتی آژانس را نیز به رسمیت نمی‌شناسند. امیدواریم در جریان گفت‌وگوها و رایزنی‌هایی که امروز و در روزهای آینده با کشورهای اروپایی انجام خواهد شد، همه به این جمع‌بندی برسند که تشدید تنش و سوءاستفاده از این وضعیت به نفع هیچ‌کس نخواهد بود». کارشناسان و ناظران معتقدند، اروپایی‌ها با این مواضع و تلاش برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه تنها بخشی از واقعیت را روایت می‌کنند. نخست اینکه نامه اخیر سه کشور اروپایی به شورای امنیت برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه هیچ اشاره‌ای به تعهدات برجامی و الزامات مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ندارد؛ تعهداتی که خود کشورهای اروپایی در عمل از اجرای آن سر باز زده‌اند. در ۷ سال گذشته نه روابط اقتصادی با ایران عادی شد و نه اروپا توانست از تجارت مشروع با ایران در برابر تحریم‌های فرامرزی و غیرقانونی آمریکا حمایت کند. این ناکامی‌ها، بخش مهمی از بحران کنونی را شکل داده‌اند اما در متن اروپایی‌ها، حذف شده است. عامل اصلی بحران هسته‌ای

نیز در این نامه نادیده گرفته شده است: خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و آغاز کارزار فشار حداکثری که با بی‌عملی اروپا ضربات سنگینی به اقتصاد ایران وارد کرد. از منظر حقوقی نیز معرفی اقدامات جبرانی ایران به عنوان «نقض» توافق، بی‌اعتباری مضاعفی دارد زیرا برجام به ایران حق داده در صورت بدعهدی طرف مقابل، کاهش تعهدات داشته باشد.

اروپا همچنین واقعیت تغییر شرایط میدانی را نادیده گرفته است؛ حملات اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان ایران، نشان می‌دهد که مشکل برنامه هسته‌ای ایران «نه فنی یا نظارتی بلکه سیاسی و امنیتی است». در حالی که اروپایی‌ها مکانیسم ماشه را «یک

سیاسی شده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد، نزدیک به نیمی از بریتانیایی‌ها حضور ترامپ را اشتباه می‌دانند که بیانگر شکاف عمیق افکار عمومی است.

فراتر از اعتراض‌ها و جلوه‌های تشریفاتی، این سفر فرصتی برای گفت‌وگوهای جدی و دشوار بود. دیدار ترامپ و استارمر در چکر، گذار از نمادگرایی به واقعیت را رقم می‌زند. دستور کار شامل موضوعاتی با پیامدهای جهانی عظیم از جنگ در اوکراین تا آینده ناتو بود. سابقه سیاست‌های «اول آمریکا» ترامپ و دیدگاه‌های انتقادی او نسبت به هزینه‌های دفاعی اروپا، احتمال دستیابی به توافقاتی کلان را کاهش می‌دهد و تمرکز بر توافقات کوچک‌تر و قابل دستیابی محتمل‌تر به نظر می‌رسد. یکی از این توافقاتی قابل توجه، سرمایه‌گذاری آمریکا در حوزه فناوری و هوش مصنوعی در بریتانیا است که می‌تواند به عنوان پیروزی دیپلماتیک معرفی شود. اما حتی این توافق کوچک نیز با پیچیدگی‌های خود، از جمله مسائل مالیاتی و چارچوب‌های مقرراتی روبه‌رو است.

این سفر بیش از هر چیز، نگاهی جذاب به تعاملات شخصی رهبران و قدرت نرم سلطنتی ارائه می‌دهد. مراسم استقبال تشریفاتی با حضور شاهزاده ویلیام و شاهزاده خانم کاترین تلاش برای ایجاد تصویری یکپارچه از سلطنت و بهره‌گیری از میراث فرهنگی بریتانیا بود. ترامپ، نماینده شعار «عظمت را به آمریکا برگردانیم» اکنون در معرض تحسین یکی از قدیمی‌ترین سلطنت‌های جهان قرار گرفته است، درحالی که بریتانیا با استفاده از شکوه سنتی خود در پی کسب مزیت استراتژیک

است.

با این حال، این نمایش نباید چالش‌های واقعی را پنهان کند. از پیامدهای رسوایی مرتبط با اپستین و تأثیر آن بر دولت استارمر تا اختلافات عمیق در سیاست‌های جهانی، این سفر یادآور این نکته است که حتی «رابطه ویژه» نیز نیازمند مراقبت مستمر و گاه دشوار است. بریتانیا در این مسیر تلاش می‌کند تا منافع خود را در جهانی پیچیده حفظ کند، بی‌توجه به هزینه‌های سیاسی یا مخالفت‌های عمومی.

در نهایت، سفر ترامپ به لندن نه آغاز فصل جدیدی در روابط دو کشور بلکه ادامه تاریخی پرچالش است؛ سفری که جلوه‌های تشریفاتی و نمایشی و لایه‌های عمیق سیاسی و اقتصادی دارد.



ابزار جبرانی و مشروع» معرفی می‌کنند، ایران این اقدام را نقض آشکار توافق و تشدید بحران می‌داند. از طرفی پیشنهاد مشترک روسیه و چین، یک روزنه واقعی برای خروج از بن‌بست ارائه می‌دهد و اروپا را به بازگشت به تعهدات خود فرا می‌خواند اما این طرح از سوی غربی‌ها با استقبال چندانی مواجه نشده است. در مجموع، اظهارات و نامه پیشین سه کشور اروپایی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه بیش از آنکه یک سند حقوقی معتبر باشد، تلاشی سیاسی برای اعمال فشار و تحریف واقعیت‌هاست. آینده برجام اکنون به انتخاب اروپا گره خورده است: «بازگشت به تعهدات و احیای اعتماد، یا پافشاری بر روایت یک‌جانبه و تشدید بحران.»

آمریکا

تحریم‌ها را اجرا کنید

نامه ضدایرانی ستانوت‌های آمریکایی به تروئیکا

۵۰ سناتور جمهوری‌خواه آمریکایی با انتشار بیانیه‌ای خطاب به وزیران سه کشور اروپایی عضو برجام، خواستند که «فاطمه‌ان در مورد بازگشت تحریم‌ها علیه ایران موضع بگیرند و تحریم‌های ایران را اجرا کنند». طبق گزارش نشریه «جویش اینسایدر» این قانونگذاران مدعی شدند: «ایران سال‌هاست که از فرآیندهای دیپلماتیک برای جلوگیری از مجازات سوءاستفاده کرده است. کاهش تحریم‌ها فقط باید پس از اجرای کامل بازگشت تحریم‌ها مورد مذاکره قرار گیرد». نامه ضدایرانی جمهوری‌خواهان درحالی است که «کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز چهارشنبه درباره گفت‌وگوی تلفنی با «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران اظهار کرد: ایران باید همکاری کامل خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان دهد و بدون تأخیر، اجازه بازرسی از سایت‌های هسته‌ای را بدهد. بنابر گزارش شبکه الجزیره، او همچنین گفت: ما با وزیر امور خارجه ایران در تماس بوده‌ایم و پنجره برای یک راه‌حل دیپلماتیک برای برنامه هسته‌ای ایران در حال کوچک شدن است. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ادامه سیاست‌های خصمانه اروپایی‌ها در قبال کشورمان گفت: ما چند هفته‌تا اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران فاصله داریم و این کشور باید گام‌های معتبری را برای برآورده کردن خواسته‌های فرانسه، انگلیس و آلمان بردارد. وزارت امور خارجه آلمان نیز دیروز با انتشار اطلاعیه‌ای از گفت‌وگوی تلفنی وزرای خارجه آلمان، انگلیس و فرانسه همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با «سیدعباس عراقچی» وزیران امور خارجه ایران خبر داد و اعلام کرد این تماس تلفنی به منظور ادامه تلاش‌های دیپلماتیک با طرف ایرانی انجام شده است. بنابر اعلام وزارت امور خارجه آلمان آنها در صحبت‌های خود تأکید کردند که ایران باید مذاکرات را از سر بگیرد، اجازه بازرسی از سایت‌های حساس را بدهد و به ذخایر اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا رسیدگی کند. مقامات ایرانی همواره در برابر عواقب فعال‌سازی مکانیسم ماشه هشدار داده و اعلام کرده‌اند که سه کشور اروپایی به دستور رژیم صهیونیستی و آمریکا تصمیم گرفته‌اند تا روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه را کلید بزنند.



چهره زنانه جنگ

روایت **سما بابایی** از چگونگی خلق رمان **مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا**



جنگ تمام نمی‌شود

سما بابایی درباره چگونگی شکل‌گیری فضا و شخصیت‌پردازی کارکترهای رمانش می‌گوید: «من مدتی بعد از آغاز جنگ و در تهران به دنیا آمدم. طبیعتاً سال‌های جنگ در آن شهرهای جنگ‌زده را ندیدم؛ اما اگر تصویرهای زنده از شهر جنگ‌زده در اثر وجود دارد باید آن را مدیون تمام آثار مکتوب و تصویری به‌جا مانده از جنگ بدانم. نمی‌دانم چقدر مستند و فیلم از آن دوران دیدم. چقدر کتاب و رمان و داستان کوتاه خواندم. اما از همه بیش‌تر مرهون خاطرات زنان فرماندهان بزرگ جنگ هستم که منتشر شد و عجب کار بزرگی با انتشارشان اتفاق افتاد. نمی‌خواهم بگویم کار مهمی کردم اما واقعاً سال‌ها خواندم و دیدم و با آدم‌هایی که آن روزگار را دیده بودند، حرف زدم و حرف زدم و حرف زدم تا سرانجام جرأت کردم تا از آن روزها بنویسم. از طرفی اما نمی‌شود ایرانی بود و زخم جنگ را به جان نداشت. زخم آن همه جان جوانی که پرپر شد. زخم آن همه آشیانه‌هایی که با عشق ساخته شده بود و با نفرتِ تخاصم به خاک نشست. زخم آن همه دوستی‌ها و عشق‌ها که ناتمام ماند. جنگ

اصلاً تمام نشده و هیچ جنگی نیست که در این کره خاکی شروع شود و تمام شود؛ حتی بعد از صلح، بعد از آتش‌بس، بعد از گذشت دهه‌ها، جنگ برای تمام آدم‌هایی که یک روزش را زندگی کرده‌اند، ادامه یافته است. همه ما که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و اوایل ۷۰ به دنیا آمدیم آن سنگرهای تزیین شده در خیابان را دیده‌ایم. آن سرودهای جنگی که در مدرسه برایمان می‌گذاشتند، آن فلک‌هایی که دست‌مان می‌دادند تا برای رزمندگان سکه‌هایمان را جمع کنیم؛ اما مگر همین است؟ کدام روز است که

دشمنی منحوس چشم به این خاک نداشته باشد؟ کدام‌یک از ماست که حتی در روزهای صلح، سایه جنگ را بر سرش ندیده باشد؟ می‌دانید نقل امروز و دیروز نیست. ما همه زندگی‌مان به این گذشت که اگر این نشود و آن بشود، اگر آن سر کار بیاید و این نیاید، اگر در آن ینگه دنیا فلاّتی رئیس‌جمهور شود و آن نشود، ممکن است «جنگ» شود. وقتی همسایه‌هایمان وارد جنگ شدند، وقتی داعش آمد، وقتی طالبان سر کار آمد، همه‌مان ترسیدیم و ترس‌هایمان را پشت روزمره‌گی‌هایمان قایم کردیم. جنگ از ما جدا نشد تا خرداد امسال که جنایت‌کارترین سیاستمدار دنیا دوباره آمد و به سرزمین‌مان تعدی کرد و دوباره داغ بر دل‌مان نشاند و دوباره یادمان انداخت که ترس از جنگ همان ترس از مرگ است.»

سما بابایی درباره کتابی که مشغول نوشتنش است هم گفته: «روی یک کتاب کار می‌کنم که از آخرین سال‌های دهه ۵۰ شروع می‌شود و تا امروز ادامه دارد. داستان چند زن از چند نسل و طبیعی است که قهرمانانش بار دیگر «زنان» هستند. عمدی ندارم که حتماً قهرمانان داستانم «زنان» باشند؛ اما زنان بخش بزرگی از تاریخ معاصر ما را ساخته‌اند و من فکر می‌کنم، سرانجام این زنان هستند که ناجی این وطن خواهند شد.»

به تازگی رمان «مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا» نوشته سما بابایی توسط نشر برج منتشر شده است. سما بابایی در رمان تازه‌اش زندگی دو زن به نام‌های آفاق و ثریا را روایت می‌کند؛ دو زن که در جنگ زنده مانده‌اند ولی هنوز گرفتار غم و تهایی هستند و به‌رغم تفاوت‌هایشان، به سرنوشتی دچار شده‌اند که آن‌ها را به هم شبیه و نزدیک کرده است. سما بابایی اوایل دهه ۶۰ در تهران به دنیا آمد و هم‌زمان با بهار مطبوعات، در اواخر دهه ۷۰ وارد مطبوعات شد و با فعالیت مستمرش به یکی از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و شناخته‌شده حوزه‌های موسیقی، تئاتر و تجسمی تبدیل شد. سال ۱۳۹۸ اولین مجموعه داستان‌اش با عنوان «لیلا» توسط نشر روزنه منتشر شد و داستان بلند «لیلا» در آن خوش درخشید و تحسین خوانندگان را برانگیخت. جنگ و زنان دو دل‌مشغولی همیشگی‌اش بوده و رمان «مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا» نیز در واقع بازتاب همان‌هاست. او حالا کنار روزنامه‌نگاری مشغول نوشتن رمان دومش است که داستان‌اش این‌بار در سال‌های پُرحریت دهه ۶۰ می‌گذرد؛ در سال‌های خون و امید و جنگ و ناامیدی.

دغدغه زنان در جنگ

نویسنده «مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا» در گفت‌وگو با ایننا درباره انگیزه نوشتن آن می‌گوید: «دغدغه‌ام زنان در جنگ بود. بخش مهمی از کودکی ما با جنگ همراه شد؛ با ترس‌ها و نگرانی‌ها و گاهی حتی خانه‌به‌دوشی‌هایی که ارمغان این رویداد تلخ بود. برای من اما سال‌ها طول کشید تا با حقیقت جنگ آشنا شوم. باید اعتراف کنم در روزگار عصیان نوجوانی، همان وقت‌ها که مدیر و ناظم مدرسه وقتی می‌خواستند ما را مورد عتاب قرار

دهند، می‌گفتند: «از خون شهدا خجالت بکشید» و بعدتر که مداوم پشت تریبون‌های رسمی فریاد می‌زدند: «ما شهید نادانیم که...» نوعی خشم نسبت به این مسأله پیدا کردم. حتماً آنانی که هم‌سن و سال من هستند، در گپ‌های دوستانه‌شان چند باری گفته‌اند که «خودشان خواستند بروند جبهه و شهید بشوند، چرا ما باید تاوانش را بدهیم؟» باید زمان می‌گذشت، باید با مفهوم خاک و جان و ایثار و وطن‌آشناتر می‌شدم تا می‌فهمیدم آن جوانی که از جان خود گذشته است، از معشوقه‌اش، از جوانی‌اش، از آرزوهایش و از همه مهم‌تر از مادرش چه کار بزرگی کرده است و آن آدمی که یک روز سساک بسته تا به سفری برود که رفتن با خودش است و برگشتن نه، چه روزگاری گذراند؛ به‌عنوان یک زن و یک روزنامه‌نگار زن، طبیعی است که زنان همواره دغدغه‌ام بوده‌اند، اصلاً از این مسأله گریزی نیست؛ اما در جنگی که ۸ سال طول کشید و نام سرداران شهیدش به اتوبان‌ها و خیابان‌ها رسید، سهم زنان چه می‌شود؟ مگر نه اینکه هر گلوله‌ای که به جان یک سرباز خورد، کیلومترها دورتر قلب زن و معشوق و مادر آن سرباز را نیز برای همیشه زخمی کرد؟ خوشبختم که در این سال‌ها، خوانش‌های زنانه نیز از نبرد مقدس ما شده است؛ اما تا سال‌های سال باید از این زنان گفت و شنید و درباره‌شان خواند.»

در امتداد پدر

ثمینه باغچه‌بان نویسنده ادبیات کودک و نوجوان و از پیشگامان آموزش کودکان ناشنوا درگذشت

ثمینه باغچه‌بان، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان و از پیشگامان آموزش کودکان ناشنوا که فرزند جبار باغچه‌بان (بنیان‌گذار نخستین کودکان و نخستین مدرسه ناشنوایان ایران) بود، در ۹۷ سالگی درگذشت. نوش‌آفرین انصاری، دبیر شورای کتاب کودک با اعلام این خبر گفت: «خانم باغچه‌بان چهارشنبه ۲۶ شهریور از دنیا رفت و احتمالاً مراسم تشییع او پنج‌شنبه از مقابل مدرسه باغچه‌بان برگزار خواهد شد.» ثمینه باغچه‌بان، نویسنده کودکان و نوجوانان و بنیان‌گذار مؤسسه‌های آموزشی و فرهنگی برای کودکان کم‌شنوا و ناشنوا بود. دو کتاب از او با عنوان‌های «پل چوبی» و «نوروزها و بادبادک‌ها» از کتاب‌های برگزیده شورای کتاب کودک است. از دیگر آثار او نیز کتاب‌های «چم چمک برگ خزون»، «آفتاب مهتاب چه رنگه» و «روشنگر تاریکی‌ها» (درباره پدرش جبار باغچه‌بان) است. هم‌چنین ارائه ترانه فولکلوریک «دویدم و دویدم» در قالب کتاب و تهیه ویدئوی به زبان اشاره و برگردان فارسی کتاب «ایمان جهانی» و تهیه ویدئوی به زبان اشاره از جمله دیگر کارهای اوست.

فرزند کودکانستان

ثمینه باغچه‌بان ۴ فروردین ۱۳۰۶ در کودکان «باغچه اطفال» تبریز که به عنوان نخستین کودکان ایران توسط پدرش، جبار باغچه‌بان در سال ۱۳۰۳ بنیاد گذاشته بود به دنیا آمد. چندی بعد با خانواده به شیراز رفت. پدرش در آن‌جا کودکانی باز کرد. دوران کودکی ثمینه در آن کودکان گذشت. پدرش را آقا معلم خطاب می‌کرد و هم‌پای‌هایش، کودکان کودکان بودند. ثمینه باغچه‌بان درباره این دوران و این شیوه زیست گفته است: «از آنجایی که در مدرسه به دنیا آمدم و در آن‌جا بزرگ شدم، ازدواج کردم و در همان مدرسه تا روز آخری که پدرم زنده بود و بعد خودم تا زمان بازنشستگی کار کردم، طبیعتاً زندگی من با مدرسه به هم‌گره خورده است. زمانی که من به دنیا آمدم، سه سالی بود که پدرم باغچه اطفال را در تبریز پایه‌گذاری کرده بود. مدت کوتاهی بعد از تولد من، ما

دیدگاه: یادداشت روز

نقطه سخت تعادل

نگاهی به طراحی صحنه سریال **شکارگاه**



سحر شهاوت

طراح صحنه و لباس

سریال «شکارگاه» از همان نماهای نخست مشخص می‌کند که بناست فضا بیش از یک پس‌زمینه باشد؛ آیدین ظریف با وسواس خوشایندی، عمارت را به کاراکتر بدل می‌کند: موجودی قاجاری با ریه‌های پر از خاک و آه، که هر در دولت و هر پستوی خاموشش چیزی را پنهان می‌کند و چیزی را لو می‌دهد. آنچه این کاراکتر را جان می‌دهد، نه فقط ستون‌ها و قوس‌ها و قاب‌های چوبی که مجموعه‌ای از نشانه‌هاست؛ از قلاب و تله و شاخ و طناب‌های رها شده تا کاغذهای دعا و مُهرهایی که بی‌سروصدا از ترسی قدیمی حرف می‌زنند. ظریف این موتیف‌ها را بر قفسه و دیوار نمی‌چسباند تا قاب پر شود؛ آنها را در مسیر نفس کشیدن درام می‌چیند تا رد استفاده و معنا روی سطح بماند.

پالت رنگی سریال- قهوه‌ای، کرم و سبز- مثل سه نت ثابت است که قطعه را نگه می‌دارند. قهوه‌ای‌های تیره روی چوب‌ها و دیوارها وزن می‌آورند و حس قدمت را به جان قاب می‌اندازند؛ کرم، نور نرم تنفس است که اجازه می‌دهد، جزئیات کهنه‌کاری گم نشود؛ سبز بیشتر زینونی و سدّری همیشه کمی مرطوب و کمی نگران است، انگار هوا همیشه در پیش از باران گیر کرده باشد. هوشمندی این پالت در کارکردش است: فضاهای قدرت گرم‌تر و فشرده‌تر می‌نمایند، اتاق‌های شخصیت‌های شکننده سردتر و خلوت‌تر. با این همه، وفاداری طولانی به قهوه‌ای/کرم گاهی ریتم قاب‌ها را کند می‌کند؛ دو سه صحنه پشت هم در این ثن‌ها، نفس بافت‌ها را کوتاه می‌کند.

به شیراز رفتیم و پدرم در آنجا، کودکان شیراز را پایه‌گذاری کرد. من در کودکان شیراز بزرگ شدم، در فضایی باز و در کودکانی که پدرم با همه ایده‌آل‌هایش آنجا را اداره می‌کرد. برای من که الان ۸۰ سال از عمر می‌گذرد و مدرسه‌های بسیاری را دیده‌ام، کودکان شیرازی یکی از برجسته‌ترین کودکان‌هایی بود که به یاد دارم. واقعاً کودکان به تمام معنا بود. از نظر تربیت حواس، تربیت جسم، تربیت نیروی ذهنی، آداب معاشرت، پرورش شخصیت برای راست‌گو بودن، صمیمی بودن و دلیر بودن در موارد لازم، پدرم می‌گفت، انسان نباید ترسو باشد. ترس بی‌جا سبب ضعف می‌شود. خجالت هم خیلی بد است. خجالت، بچه‌ها را تا آخر عمرشان از کار و زندگی عقب می‌اندازد. پدرم با دقت بسیار به این مسائل توجه داشت و سعی می‌کرد به ما جرأت بدهد و خجالت بیهوده را از ما بگیرد. به این ترتیب اعتماد به نفس و مبارزه با خجالت بی‌جا را من از کودکی از پدر آموختم.»

جبار باغچه‌بان در سال ۱۳۱۱ با خانواده به تهران کوچید. ثمینه دوره دبستان و دبیرستان را در تهران گذراند. پس از پایان دبیرستان به دانشسرای مقدماتی رفت و پس از ورود به دانشسرای عالی، هم‌زمان، به تدریس در مدرسه کر و لال‌ها که پدرش در سال ۱۳۱۲ در تهران تأسیس کرده بود، پرداخت.

ثمینه باغچه‌بان از دانشسرای عالی در رشته زبان انگلیسی فارغ‌التحصیل شد سپس با استفاده از بورس به آمریکا رفت و در زمینه آموزش و پرورش ناشنوایان به تحصیل پرداخت و پس از بازگشت به ایران در کنار پدرش به تدریس در مدرسه کر و لال‌ها ادامه داد. در سال ۱۳۳۲ در مقطع کارشناسی ارشد آموزش و پرورش ناشنوایان از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شد سپس در رشته گفتاردرمانی در همان دانشگاه به تحصیل ادامه داد. پس از بازگشت از آمریکا و تجدید نظر برای کتاب‌های درسی در جلسات دکتر کل امور ابتدایی با حضور عباس یمنی‌شریف و لیلی آبی و توران میرهادی حضور یافت. براساس این جلسه، او در سال ۱۳۴۰ از طرف آموزش و پرورش، مسئول تشکیل کلاس‌های کارآموزی و کارروزی آموزگاران کلاس اول در سطح

معماری، «تقریباً» وفادار به اواخر قاجار است؛ تقریباً چون سریال باید بدود و معماری هم باید با آن بدود. سقف‌های بلند، پنجره‌های قدی، گچ‌کاری‌های نفیس‌گیر و راهروهای تودرتو تنها برای تزئین نیستند؛ کاربردی‌اند. راهروها معطل می‌کنند تا تعلیق جا بیفتد؛ سراسرای خالی، انزوا را تشدید می‌کند؛ اتاق‌های فشرده فشار روانی می‌سازند. هر جا روایت طلب کرده، تغییرات کوچک





تنهایی آقای کامران شیردل

نشست مروری بر ۴ اثر مستندساز شاخص برگزار شد

دست و درحال نزدیک شدن به موضوع و سوژه است و کاری که دوربین می‌کند، متفاوت است. به نظرم این موارد سینماست و در آن زمان به نوعی رویکرد سینمایی بوده است. باز تاکید می‌کنم همه مساله را در توقیف و سانسور کارهای شیردل نبینید و اما ببینید، فیلمساز چه کرده و چگونه زندگی کرده است.

این مستندساز درباره آثار کامران شیردل و کتاب علیرضا ارواحی گفت: برنامه «بازنگاه هاشور» برای نمایش ۱۰ فیلم برتر کامران شیردل که هم‌اکنون در پلنفرم هاشور قابل دسترسی است، اتفاق بسیار خوبی است. اگر این اتفاق برای مستندسازان شاخص ما رخ دهد خیلی خوب است که با کیفیت مناسب، آثارشان را ببینیم. امیدوارم این برنامه‌ها ادامه‌دار باشد و بستری شود تا بازنگاهی به آثار کامران شیردل، زیستن و کارهای هنری او باشد. به عبارتی از فضای تجلیل و مثبت‌گویی فاصله بگیریم و به تماشا و نقد یک فیلم بپردازیم. نقد در فرهنگ ما سینمایی‌ها به عنوان بدگفتن یا ایرادگیری جا افتاده است اما اساسا نقد اتفاق بسیار خوبی است.

وی با اشاره به کتابی که راجع به کامران شیردل نوشته شده است، بیان کرد: موضوع اول تنهایی آقای شیردل در کتابی که راجع به آقای شیردل نوشته شده است. این کتاب اسم و توجهاتی دارد که از تنهایی آقای شیردل می‌گوید و بر این امر متمرکز است، شیردل خود از تنهایی می‌گوید و صحبت می‌کند. وی در ادامه چند خطی از کتاب کامران شیردل؛ تنها در قاب نوشته علیرضا ارواحی را خواند.

پیروز کلاتری ادامه داد: فصل اول این کتاب جذابتی برایم داشت، تصاویر زیادی که در فصل اول قرار گرفته‌اند جذابت دارد. به نظرم تنهایی انسانی که در فیلم نمایش داده می‌شود با تنهایی آقای شیردل متفاوت است.

وی در ادامه بیان کرد: سؤال اینجاست اثر «تنهایی اول» چقدر می‌تواند، بیوگرافی تنهایی آقای شیردل باشد؟ به نظرم تنهایی مفهوم فیزیکال نیست، اینکه یک انسان تنها بوده یا با دیگران تنها زندگی کرده هم نیست. یک انسان می‌تواند همه موارد را داشته باشد اما پر از تنهایی باشد ضمناً چنین فرد تنهایی می‌تواند، معتقد باشد که باید کار کند، فعالیت داشته باشد چون انسان زنده نیاز به این موارد دارد. فرزاد توحیدی نیز در پایان گفت: ما نمایش ۱۰ فیلم از کامران شیردل را هم‌زمان با این برنامه در پلنفرم آغاز کرده‌ایم.

خیلی دوست داریم، آثار فیلمسازانی که طی این سال‌ها شخصیت‌های متفاوتی داشته‌اند را داشته باشیم؛ اما یک سری محدودیت‌ها داریم و همین امشب نتوانستیم نیمی از کارهای کامران شیردل را به نمایش بگذاریم.

مجموعه‌ای از آثار کامران شیردل شامل فیلم‌های «آینه‌ها»، «بوم سیمین»، «ندامتگاه (زندان زنان)»، «تهران پایتخت ایران است»، «قلعه»، «اون شب که بارون اومد»، «پیکان»، «دوبی»، «گاز، آتش، باد» و «تنهایی اول» هم‌اکنون در دسترس و نمایش علاقه‌مندان در پلنفرم نامبرده قرار دارد.

برنامه‌ای با مروری بر ۴ اثر شاخص کامران شیردل با حضور جمعی از هنرمندان و مستندسازان عصر دوشنبه ۲۴ شهریور ماه در سالن فردوس موزه سینما برگزار شد. در ابتدا، این برنامه با نمایش فیلم «آینه‌ها» آغاز شد. سپس فرزاد توحیدی، مستندساز در سخنانی کوتاه گفت: «آینه‌ها» نخستین اثر کامران شیردل بود که در ایتالیا ساخته شد. شیردل به معرفی نیاز ندارد. کتاب کامران شیردل؛ «تنها در قاب» به همت علیرضا ارواحی گردآوری شد و به چاپ رسید. در ادامه این برنامه، ویدئویی از نظرات مستندسازان و اهالی سینما درباره کامران شیردل به نمایش درآمد.

در این ویدئو ارد عطاریور، مستندساز گفت: فیلم «اون شب که بارون اومد» که سال ۱۳۴۹ ساخته شد، فیلم بسیار خوبی در سینمای ایران است و کامران شیردل تاثیر بسیار زیادی در سینما داشته است.

همچنین در این ویدئو محمود رحمانی، مستندساز بیان کرد: اهمیت کامران شیردل برای شخص بنده شکل بیان اوست. آثار او با خلاقیت همراه بوده و می‌توانم به صورت موردی، اثر «اون شب که بارون اومد» را مثال بزنم. این اثر یکی از فیلم‌های مورد علاقه من است. داستانی که اهمیت این فیلم را برای بنده و خیلی از افراد دیگر نشان می‌دهد، نقد اجتماعی این اثر است که در جامعه تاریخی ما یافت می‌شود و مساله‌ای است که با آن درگیریم. این فیلم آنقدر عمیق و مهم است که گاهی یقه ما را می‌گیرد و تصویری که به عنوان مستندساز می‌گیریم را به چالش می‌کشد.

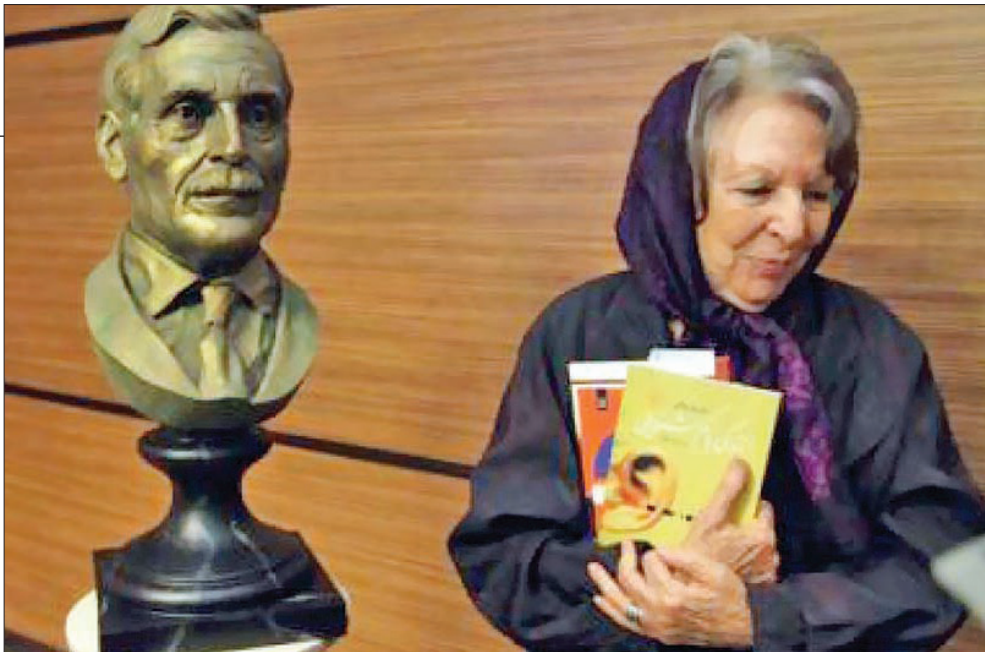
سیس ۳ اثر شاخص دیگر از کامران شیردل از جمله «تنهایی اول»، «ندامتگاه (زندان زنان)» و «قلعه» به نمایش درآمد.

در ادامه پیروز کلاتری با اشاره به چگونگی آغاز به کار شیردل گفت: «آقای شیردل زندگی بسیار پر و پیمانی در دهه ۶۰ در ایتالیا داشت. او در دوران نوجوانی، کافکا و هدایت را می‌خواند و فیلم آینه‌ها متأثر از کافکا ساخته شده است».

کلاتری بیان کرد: سیس ایشان فیلم «اون شب که بارون آمد» را می‌سازد. این اثر ۱۲ ماه تدوین داشت و گرایش اصلی او در ایتالیا تدوین بود که مشخصاً در وجوه کارهای صنعتی بعد از انقلاب او نمود پیدا کرد.

وی با تاکید گفت: به نظرم امکان مؤلف شدن کامران شیردل وجود داشت. یک فیلمساز باید کار کند، کار خوب و بد بسازد. اینجاست که فیلمساز مؤلف رخ می‌دهد؛ اما شیردل این کار را انجام نداد. حال سؤال اینجاست که اگر فضای تولید و اکران فیلم وجود داشت، چه اتفاقی رخ می‌داد؟ یکی از مهم‌ترین فیلم‌های او «اون شب که بارون اومد» شد. این فیلم و ۳ فیلمی که تماشا کردیم، جزیی از فیلم‌های شیردل است که به عنوان فیلمساز شاخص اجتماعی مطرح شده است. شیردل صرفاً به عنوان فیلمساز فیلم‌های اجتماعی معروف است.

کلاتری در پایان اظهار کرد: به نظرم در تصاویر گرفته شده در فیلم‌های شیردل دیده می‌شود که دوربین روی



هم‌چنین امکان آشنایی کودکان را با مشاغلی همچون بزاز، قصابی، بقالی، نمدمالی، خراطی، بندبازی و... فراهم می‌کند و به آن‌ها ایده‌ای برای اجرای نمایش در قالب این مشاغل خواهد داد.

ثمینه باغچه‌بان در کتاب «دویدم و دویدم» به سراغ یکی از ترانه‌ها جذاب کودکی رفته و در آن چهره‌های گوناگون کار و زندگی به کودکان خردسال شناسانده می‌شود. اکنون برخی پاره‌های این ترانه- مثل دیگر چندان با ویژگی‌های زندگی امروز سازگار نیست. در بازآفرینی این ترانه- مثل گاهی زبان و کارها همساز با زندگی امروزی شده و تصویرهای زیبای تصویرگر (احسان عبداللهی) حال و هوای مردم را در گذشته‌ای دور بازسازی می‌کند.

ثمینه باغچه‌بان در کتاب «دس دسی باباش می‌داد!» که توسط نشر نظر منتشر شده، مجموعه‌ای از بازی‌های جذاب کودکان را جمع‌آوری کرده است. این امر بدیهی است که ریشه‌های فرهنگی و تاریخی هر ملتی در بازی‌های کودکان آن گنجانده شده است. این بازی‌ها که در زندگی کودکان ایرانی نقش فراوانی داشته، داخل خانه‌ها و حیاط‌های شهر و روستا و در کوچه پس کوچه‌ها، کودکان را سرگرم می‌کرده است. آن‌ها نیز وقتی بزرگ شده‌اند با آموزش بازی‌ها به فرزندان خود فرهنگی مملو از زندگی، شادی و نشاط را منتقل کرده‌اند. ثمینه باغچه‌بان با انتشار آثاری متفاوت برای خردسالان به زنده نگه داشتن فرهنگ اصیل ایرانی همت گماشته است. فرشید شفیع، تصویرگر کتاب هم با نگاهی متفاوت به بازی‌ها سعی کرده، شیرینی بازی‌های کودکان را با استفاده از رنگ‌های شفاف و شاداب به تصاویر منتقل کند.

«آهو شد و صحرا رفت» هم انتخاب و گردآوری دیگر ثمینه باغچه‌بان از اشعار عامیانه، مثل‌ها و لایه‌هاست. تصاویر مینیاتوری گردآوری شده که همراه متن آمده، برگرفته از کتاب‌های قدیمی و مکتوب چون شاهنامه، حافظ، هفت اورنگ، منطق‌الطیر و خمسه نظامی است که به صورت برشی از تصویر کامل آورده شده است.

کشور شد. هم‌چنین کتاب «روش تدریس» مخصوص سپاه دانش را بر اساس روش پدرش تهیه کرد که در افغانستان و تاجیکستان هم کاربرد داشت و به این ترتیب روش باغچه‌بان فراگیر شد. این کتاب با همراهی لیلی آهی تهیه شده بود.

پس از مرگ پدر، او مسئولیت آموزشگاه باغچه‌بان و پس از آن ریاست آموزشگاه مدیریت فنی جمعیت کر و لال‌ها را بر عهده گرفت. هم‌چنین در ۱۳۵۰ مدیرعامل و مسئول برپایی سازمان ملی رفاه ناشنوایان و در ۱۳۴۵ مدیر امور بالینی و دوره‌ تربیت متخصص شنوایی‌سنجی و رابط ناشنوایان در دانشگاه ملی شد و در سال ۱۳۴۱ در پی تأسیس شورای کتاب کودک، فعالیت خود را در آن‌جا آغاز کرد.

جم جمک برگ خزون

«جم جمک برگ خزون» کتابی است که در آن برخی از مشهورترین متل‌های عامیانه ایرانی به اهتمام ثمینه باغچه‌بان یک‌جا جمع‌آوری شده‌اند. این کتاب با نقاشی‌های زیبای فرشید شفیع توسط نشر نظر برای گروه خردسال منتشر شده است. متل‌هایی که در کتاب «جم جمک برگ خزون» آمده‌اند، اغلب سینه به سینه میان نسل‌های مختلف در گردش‌اند و هر یک از ما ممکن است همه یا تعدادی از آن‌ها را شنیده باشیم. اما برای خردسالانی که در عصر حاضر به دنیا آمده‌اند، «جم جمک برگ خزون» کتابی مناسب برای تهییج ذوق و سلیقه کودک و آشنا کردن او با ادبیات عامیانه است. متل‌ها با ریتم به یادماندنی و خاطره‌انگیز خود، در ذهن کودک ماندگار می‌شوند و ابزاری برای ارتباط او با دوستان هم سن خود هم‌چنین وسیله‌ای برای بازی‌های نمایشی و جمعی آن‌ها خواهند بود. این کتاب در زمینه‌های گوناگونی، قادر به سرگرم کردن کودکان است و یکی از این زمینه‌ها نقاشی است. تصاویر هنرمندانه فرشید شفیع، نقاش و تصویرگر معروف ایرانی در این کتاب می‌تواند الگوی مناسبی برای تمرین نقاشی خردسالان باشد. این مجموعه

کاربردی مثل دیوارهای کاذب، درب‌های مخفی، مسیر فرار یا تنش را بالا برده است. این همان نقطه سخت تعادل است: نه موزه‌ای برای شو دادن.

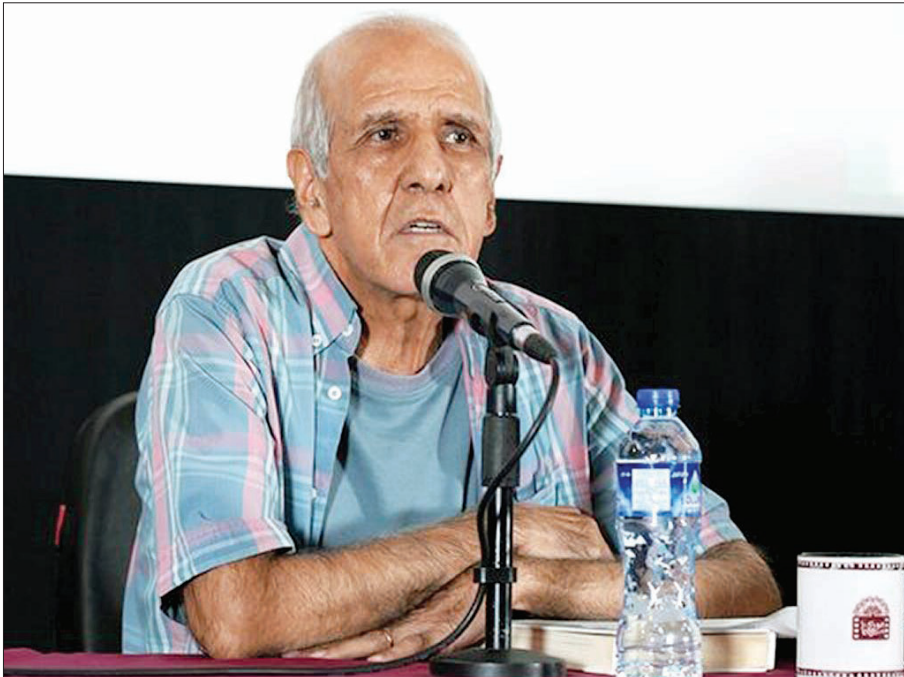
صحنه میان چند فضای پراکنده تقسیم شده، حتی دو جغرافیای جدا. معمولاً اینجاست که رشته از دست می‌رود؛ اما طراح صحنه با نخی‌های ظریف، نماها را به هم می‌دوزد: همان پالت‌های رنگی محدود، همان جنس کهنگی روی چوب و گسج، همان پیراهن‌های برنجی کدر، همان طرح کاشی‌هایی که انگار از یک شجره آمده‌اند. دمای نور هم، تا حد زیادی، کنترل شده؛ گرچه گاهی اختلاف گسج یا خاک در دو فضا لو می‌دهد که از کجا به کجا پریده‌ایم. نسخه ساده درمانش روشن است: «انسجام و پیوستگی» برای گرد و غبار، لگه‌های رطوبت و شدت چرکی کهنه‌کاری؛ ابزار مرجع برای انتخاب رنگ مشترک برای گسج و چوب؛ و یک نورپردازی ملایم با کلون پائین، قاب را نمی‌لرزاند.



خارج از عمارت هم، زبان به همان نظم حرف می‌زند. کوچه‌های خشتی، حیاط‌های نیمه‌خالی و خود شکارگاه با سبزه‌های زیتونی و خاک‌های قهوه‌ای، گذار داخل / خارج را نرم می‌کنند. جزئیات کوچک مثل طناب، چراغ نفتی، ردّ چرخ، ابزار شکار فضا را جان می‌دهند. با این حال، بعضی سطوح خاک و معابر بیش از حد یک‌دست می‌مانند و اگر جزئیاتی رعایت می‌شد، فضاهای قاب واقعی‌تر می‌شدند. در سطح تولید، سه تصمیم کلیدی باعث می‌شود، جهان سریال یک‌پارچه بماند: نخست، تلاش آگاهانه برای خلق فضای بصری منحصربه‌فرد با تکیه بر ظرفیت‌های خود درام همان استفاده هدفمند از عناصر شکار، طلسم و باطل‌السر در جای‌جای عمارت که تبدیل به زبان مشترک صحنه‌ها شده است. دوم، ساخت و تنظیم معماری متناسب با پیشبرد داستان و در عین حال وفاداری «تقریبی» به الگوهای اواخر قاجار؛ درست به اندازه‌ای که هم باورپذیری تاریخی حفظ شود و هم ریتم روایت قربانی دقت موزه‌ای نشود. سوم، کوشش برای ایجاد و نگه داشتن ساختار بصری منسجم با وجود محدودیت‌ها و پراکندگی لوکیشن‌ها؛ از قبل، نقاط اتصال دو موقعیت جغرافیایی مستقل پیش‌بینی شده تا برش‌ها نرم و بی‌دردسر باشند.

کهنه‌کاری‌ها دقیق و کم ادعاست. تیرگی در کنج‌ها می‌نشیند، لبه میزها سائیده است، دستگیره‌ها چربی سال‌ها را به خود گرفته‌اند. این فرسودگی معنادار، نه بی‌جان تمیزکاری شده و نه شلوغ تئاتری است؛ به اندازه، در جاهای درست. فقط وقتی نور از حدی پائین‌تر می‌رود، بافت چوب کدر می‌شود و نقش قلم‌هو روی گسج کم می‌شود که به نظر من بستگی به شکل نورپردازی دارد.

در نهایت، نتیجه روشن است: «شکارگاه» با طراحی صحنه آیدین ظریف، جهانی می‌سازد که هم تاریخ‌مند است و هم در خدمت روایت؛ هم چشم‌نواز است و هم کارآمد. عمارت دیگر فقط یک لوکیشن نیست؛ مثل یک کاراکتر خاموش با رنگ، بافت و نور حرف می‌زند. اگر چند اصلاح کوچک اکسنت‌های محدود، نورپردازی دقیق‌تر و پیوستگی بهتر میان فضاها انجام شود، این کاراکتر از خوب به ماندگار می‌رسد. حتی حالا هم، وقتی قاب می‌ایستد و نث‌های سبز و کرم غالب می‌شوند، می‌شود حس کرد دیوارها چیزی برای گفتن دارند؛ کافی است کمی رنگ تازه در جای درست اضافه شود تا روایت پرنرنگ‌تر شنیده شود.



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

برزخ ابهام

آیا بازارها به سمت آشوب پیش می‌روند؟

مهتا معرفت

مترجم

این روزها که بازارهای مالی در میانه‌ای از آرامش نسبی اما پر از ابهامات قرار دارند، مصادف با تصمیم‌گیری کلیدی فدرال رزرو آمریکا در مورد نرخ بهره است. به این ترتیب سرمایه‌گذاران با ترکیبی از امید و نگرانی مواجهند.

دیروز بازار سهام ایالات متحده، به عنوان قلب تپنده اقتصاد جهانی، با شاخص S&P ۵۰۰ در سطح ۶۶۰۸ واحدی، تنها ۰.۰۳ درصد رشد اندکی را تجربه کرد. این افزایش جزئی، در حالی‌که از رکوردهای اخیر فاصله کمی دارد، نشان‌دهنده احتیاط معامله‌گران پیش از اعلام سیاست‌های پولی فدرال رزرو است. فدرال رزرو، که جلسه دو روزه‌اش امروز به پایان می‌رسد، با احتمال قریب به یقین نرخ بهره را ۰.۲۵ درصد کاهش خواهد داد - اولین کاهش از دسامبر گذشته - در پاسخ به نشانه‌های ضعف در بازار کار آمریکا، جایی که ادعاهای بیکاری به بالاترین سطح از اکتبر ۲۰۲۱ رسیده و بازنگری آمار اشتغال نشان‌دهنده ۹۱۱ هزار شغل کمتر از برآوردهای اولیه است. با این حال، انتظارات تورمی که به ۳.۵ درصد صعود کرده، همراه با تنش‌های تجاری ناشی از تعرفه‌های جدید، سایه‌ای بر این خوش‌بینی انداخته. وال استریت، که در هفته گذشته شاهد رشد ۱.۶ درصدی S&P ۵۰۰ و ۲ درصدی نزدیک بود، اکنون با تمرکز بر بخش فناوری روبروست؛ شرکت‌هایی مانند اوراکل با جهش ۳۶ درصدی پس از گزارش‌های درخشان ابری، و تسلا که با خرید سهام توسط ایلان ماسک به سوددهی سالانه رسیده، پیشناز هستند. اما بخش بهداشت و درمان، با افت سهام شرکت‌هایی مانند Elevance، ضعیف‌ترین عملکرد را داشته و نشان‌دهنده ریسک‌های چرخه‌ای است. در اروپا، بانک مرکزی اروپا (ECB) نرخ‌ها را بدون تغییر نگه داشته و پیش‌بینی تورم را برای ۲۰۲۵ به ۲.۱ درصد و برای ۲۰۲۶ به ۱.۷ درصد افزایش داده، که این امر سیگنالی برای پایان چرخه کاهش نرخ‌ها تلقی شده و یورو را کمی تقویت کرده. شاخص‌های اروپایی مانند DAX و CAC ۴۰ با رشد ملایمی بسته شدند، اما نگرانی از بدهی‌های دولتی و تجارت جهانی، جو را سنگین کرده است. در آسیا، بازارهای مختلط هستند. شاخص نیکی ژاپن با ۱ درصد رشد، از بازنگری صعودی GDP سنامه دوم‌سود برد، اما بانک ژاپن (BoJ) نرخ‌ها را ثابت نگه داشته و بر تأثیر تعرفه‌های آمریکایی تمرکز کرده. در چین تقاضای ضعیف نفت و رشد اقتصادی کند، سهام را تحت فشار قرار داده، در حالی که هند با رشد ۱۳ درصدی فروش شرکت‌های صنعتی، یکی از نقاط روشن بازارهای نوظهور است. اما در خاورمیانه، وضعیت متفاوت است.

بورس تهران (TEDPIX) که اخیراً از بحران جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل رنج برده و برای ۹ روز تعطیل شده بود، با بازگشایی پرتلاطم روبه‌رو شد. شاخص TEDPIX در اوایل شهریور به ۲,۰۸۴,۱۵۳ واحد سقوط کرد- افتی ۴,۲۰۷ واحدی در یک روز- و سرمایه‌گذاران را به فروش گسترده واداشت. این بحران، که پس از تعطیلی طولانی ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیکی رخ داد، بازار را به یکی از بدترین دوره‌های تاریخی‌اش کشاند. با وجود افزایش تعداد سرمایه‌گذاران خارجی به ۵,۱۰۰ نفر و ارزش پرتفوی آنها به بیش از ۱۸۰ تریلیون ریال (۳۶۰ میلیون دلار) TEDPIX در ماه گذشته ۲.۵۵ درصد افت کرده، هرچند نسبت به سال گذشته ۲۰۰۸۲ درصد بالاتر است. سازمان بورس و اوراق بهادار ایران (SEO) تلاش می‌کند با عرضه هفتگی اولیه عمومی (IPO) و نظارت بر رسانه‌های اجتماعی، ثبات را بازگرداند، اما تورم بالا و تحریم‌ها همچنان چالش‌برانگیز هستند. ارزش کل بازار سهام ایران در فروردین به ۱۲۰ میلیارد دلار رسید، اما نوسانات اخیر اعتماد را خدشه‌دار کرده. در بازار ارز دلار آمریکا در برابر یورو ضعیف‌ترین سطح از سپتامبر ۲۰۲۱ را تجربه می‌کند، با نرخ تقریبی ۱ یورو = ۱۰.۱۰۵ دلار، در حالی که فدرال رزرو به کاهش نرخ‌ها نزدیک می‌شود. شاخص دلار (DXY) در برابر سیدی از ارزشا، تحت فشار قرار گرفته و در برابر ین ژاپن و کرون سوئد افت کرده. در پاکستان، رویه در برابر دلار ثابت مانده با نرخ خرید ۲۸۲.۲۵ روپیه و فروش ۲۸۲.۶۵، اما در هند، رویه با ۸۷.۸۱ در برابر دلار، تحت تأثیر تقاضای جهانی است. پیش‌بینی‌ها برای برنت ۶۶ دلار در ۲۰۲۵ و ۵۸ دلار در ۲۰۲۶ است، با ریسک‌های ژئوپلیتیکی مانند تنش‌های خاورمیانه که می‌تواند قیمت‌ها را نوسانی کند. طلا، به عنوان پناهگاه امن، با احتمال کاهش بیشتر نرخ‌ها، به سمت ۳,۷۰۰ دلار در هر اونس پیش می‌رود، در حالی که بیت‌کوین و دیگر کریپتوها نوسانات شدیدی نشان می‌دهند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

هشدارهای لحظه آخر

چرا دولت باید مکانیسم ماشه را جدی بگیرد و مانع از انجام آن شود؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

اقتصاد ایران سال‌هاست که با معضل تورم مزمن دست‌وپنجه نرم می‌کند، پدیده‌ای که قدرت خرید خانوارها را کاهش داده، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را مختل کرده و ثبات اقتصادی را به چالش کشیده است. اما امروز، نگرانی‌ها از تورم‌های دورقمی فراتر رفته و شبح «ابرتورم» بر اقتصاد کشور سایه افکنده است. این واژه که زمانی تنها در توصیف بحران‌های اقتصادی کشورهایی مانند ونزوئلا به کار می‌رفت، اکنون به بخشی از گفت‌وگوهای روزمره مردم ایران تبدیل شده است. افزایش شتابان قیمت‌ها، کاهش مداوم ارزش پول ملی و از همه مهم‌تر، فروپاشی اعتماد به سیاست‌گذاری اقتصادی، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا ایران در آستانه پرتگاهی به نام ابرتورم قرار دارد؟ این گزارش به بررسی ریشه‌های این بحران، عوامل تشدیدکننده آن، عملکرد سیاست‌گذاران و پیامدهای احتمالی ورود به چرخه ابرتورم می‌پردازد.

ابرتورم در ادبیات اقتصادی به نرخ تورم ماهانه بیش از ۵۰ درصد اطلاق می‌شود، وضعیتی که در آن سطح عمومی قیمت‌ها در کمتر از دو ماه دو برابر می‌شود. با این تعریف، اقتصاد ایران هنوز به این مرحله نرسیده است. تورم ماهانه، هرچند بالا، همچنان با این آستانه فاصله دارد. بااین‌حال، این به معنای ایمن بودن اقتصاد نیست. ریسک حرکت به سمت ابرتورم نه‌تنها وجود دارد، بلکه به دلایلی ساختاری و روانی، این خطر جدی‌تر از هر زمان دیگری در چهار دهه گذشته به نظر

می‌رسد. نگرانی‌های موجود در جامعه، که در گفت‌وگوهای روزمره مردم و تحلیل‌های فعالان اقتصادی نمود یافته، بازتابی از درک عمومی از شکنندگی شرایط و بی‌اعتمادی به توانایی سیاست‌گذاران برای مهار بحران است.

ریشه‌های این ریسک فزاینده را می‌توان در دو عامل اصلی جست‌وجو کرد: ناترازی مالی دولت و انتظارات تورمی افسارگسیخته. ناترازی بودجه دولت، که از شکاف عمیق میان درآمدها و هزینه‌ها ناشی می‌شود، به بحرانی ساختاری تبدیل شده است. از یک‌سو، درآمدهای دولت، به‌ویژه درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، به دلیل تحریم‌ها به شدت کاهش یافته است. نظام مالیاتی ناکارآمد و پر از معافیت‌های غیرضروری نیز نتوانسته این شکاف را جبران کند. از سوی دیگر، هزینه‌های دولت، از جمله حقوق و دستمزد بدنه عظیم کارمندان، هزینه‌های صندوق‌های بازنشستگی ورشکسته و یارانه‌های پنهان در بخش انرژی، به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. این ناترازی، دولت را به استقراض از نظام بانکی و بانک مرکزی سوق داده است، فرآیندی که به «پولی‌سازی

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

افت در افت

چرا بازار سهام با کاهش قیمت مواجه شد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران در آخرین روز معاملاتانی هفته با افت قابل‌توجه شاخص‌های سهامی مواجه شد و پرونده معاملات هفتگی خود را با روندی نزولی بست. شاخص کل بورس با کاهش ۱.۴۷ درصدی، معادل حدود ۳۸ هزار واحد، از سطح ۲۰۶ میلیون واحد پائین‌تر آمد و در ارتفاع ۲ میلیون و ۵۹۲ هزار واحد قرار گرفت. این دومین روز متوالی بود که شاخص کل افتی بیش از یک‌درصد را تجربه کرد. شاخص هم‌وزن نیز با کاهش ۰.۶۷ درصدی به سطح ۷۹۰ هزار واحد رسید و برای دومین روز پیاپی زیر مرز ۸۰۰ هزار واحد باقی ماند. این روند نزولی نشان‌دهنده تداوم فشار فروش در بازار بود.

کسری بودجه» معروف است. چاپ پول بدون پشتوانه برای پوشش مخارج، مستقیماً به افزایش پایه پولی و نقدینگی منجر شده و تورم را مانند بزنین بر آتش شعله‌ور می‌کند.

عامل دوم، که حتی از ناترازی مالی نیز تعیین‌کننده‌تر است، انتظارات تورمی است. وقتی مردم و فعالان اقتصادی به این باور می‌رسند که دولت توانایی یا اراده‌ای برای کنترل تورم ندارد، رفتارشان تغییر می‌کند. آنها از پس‌انداز به شکل ریال اجتناب کرده و به سرعت آن را به دارایی‌هایی مانند دلار، طلا، مسکن یا کالا‌های بادوام تبدیل می‌کنند. این «فرار از پول ملی» سرعت گردش پول را افزایش داده و تورم را تشدید می‌کند. در چنین شرایطی، اقتصاد لانگر اسمی خود را از دست می‌دهد و انتظارات تورمی از کنترل خارج می‌شود. این نیروی روانی، که گاهی دست‌کم گرفته می‌شود، می‌تواند به‌تثابی ماشه ابرتورم را بکشد.

عملکرد تیم اقتصادی دولت در مواجهه با این دو عامل، تاکنون ناامیدکننده بوده است. سیاست‌هایی مانند کنترل



دستوری قیمت‌ها، که بارها در گذشته امتحان شده و شکست خورده‌اند، همچنان به کار گرفته می‌شوند. این سیاست‌ها شاید در کوتاه‌مدت بتوانند قیمت برخی کالاها را به‌صورت مصنوعی پائین نگه دارند، اما در میان‌مدت و بلندمدت به کمبود کالا، تشکیل بازار سیاه، کاهش انگیزه تولید و گسترش رانت منجر می‌شوند. از منظر مدیریتی نیز، ناهماهنگی و فقدان انسجام در تیم اقتصادی مشهود است. وزرا و مدیران اقتصادی به نظر می‌رسد استقلال عمل زیادی دارند، اما در عین حال، هیچ‌کس در برابر موج تورمی که معیشت مردم را تحت فشار قرار داده، پاسخگو نیست. نبود اراده جدی برای اصلاحات ساختاری و حتی اقدامات نمادین برای نشان دادن عزم دولت، اعتماد عمومی را بیش‌ازپیش تضعیف کرده است. برای مثال، تجربه دولت‌های گذشته نشان داده که حتی تغییرات نمادین، مانند تغییر رئیس بانک مرکزی، می‌تواند به‌طور موقت التهاب بازارها را کاهش دهد، اما چنین حرکاتی در دولت فعلی دیده نمی‌شود. سیاست خارجی نیز نقش مهمی در تشدید این بحران ایفا می‌کند. اقتصاد ایران به شدت به درآمدهای ارزی و تجارت

بین‌المللی وابسته است و هرگونه تنش در روابط خارجی، از دو کانال واقعی و انتظاری، اقتصاد را متأثر می‌کند. کانال واقعی شامل کاهش درآمدهای نفتی، افزایش هزینه‌های تجارت و محدودیت دسترسی به تکنولوژی است که کسری بودجه را تشدید می‌کند. کانال انتظاری اما می‌تواند مخرب‌تر باشد. اخباری مانند احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» شوک روانی بزرگی به بازارها وارد می‌کند، چشم‌انداز آینده را تیره‌تر می‌سازد و فعالان اقتصادی را به سمت خرید ارز و طلا و فعالیت‌های سفته‌بازانه سوق می‌دهد. این بی‌اعتمادی به آینده، تقاضای سفته‌بازی را افزایش داده و بی‌ثباتی اقتصاد کلان را تشدید می‌کند. اصلاحات اقتصادی بدون تنش‌زدایی در سیاست خارجی عملاً غیرممکن است، اما عملکرد دولت در این زمینه نیز ضعیف بوده و نه‌تنها گشایشی حاصل نشده، بلکه تهدیدهای جدیدی نیز مطرح شده است.

پیش‌بینی دورنمای متغیرهای کلیدی مانند نرخ تورم و ارز در شرایط کنونی بسیار دشوار است. اقتصاد ایران در محیطی از نااطمینانی شدید قرار دارد که پیش‌بینی دقیق را ناممکن می‌کند. باور عمومی به افزایش نرخ ارز و تورم، خود به نیروی محرکه بازارها تبدیل شده است. این انتظارات می‌توانند با اخباری مثبت به‌سرعت فروکش کنند یا با اخباری منفی، فنر قیمت‌ها را رها کنند. تجربه‌های گذشته نشان داده که حتی توافق‌های موقت می‌توانند نرخ ارز را به‌طور قابل‌توجهی کاهش دهند، اما اخبار منفی مانند تنش‌های منطقه‌ای می‌توانند به سرعت بازارها را ملتهب کنند. در سناریوی بدبینانه، اگر اقتصاد ایران وارد چرخه ابرتورم شود، پیامدها فراتر از مسائل اقتصادی خواهد بود. در حوزه اقتصادی، پس‌اندازهای ریالی مردم نابود می‌شود، نظام بانکی با بحران ورشکستگی مواجه می‌شود و برنامه‌ریزی اقتصادی برای بنگاه‌ها غیرممکن خواهد شد. اقتصاد ممکن است به سمت مبادلات پایاپای یا دلاریزاسیون غیررسمی حرکت کند که کارایی را به شدت کاهش می‌دهد. در حوزه اجتماعی، ابرتورم طبقه متوسط را نابود می‌کند، جامعه را به دو قطب فقیر و غنی تقسیم می‌کند و زمینه را برای تنش‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. همچنین، مهاجرت گسترده نخبگان، نیروی کار ماهر و حتی کارگران ساده تشدید خواهد شد که ظرفیت تولیدی و انسانی کشور را برای نسل‌ها تضعیف می‌کند.

در مجموع، اقتصاد ایران در مسیر خطرناکی قرار دارد. ناترازی مالی، انتظارات تورمی افسارگسیخته و ضعف در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی، ریسک ابرتورم را به سطحی بی‌سابقه رسانده است. بدون اصلاحات ساختاری شجاعانه و تنش‌زدایی در سیاست خارجی، این مسیر می‌تواند به فاجعه‌ای تمام‌عیار منجر شود. امید است که پیش از دیر شدن، اراده‌ای جدی برای تغییر این مسیر شکل گیرد.

بهتری نسبت به شاخص کل داشت. این تفاوت نشان‌دهنده مقاومت نسبی سهام کوچک‌تر در برابر فشار فروش است. با این حال، تداوم روند نزولی در روزهای پایانی هفته، نگرانی‌هایی را در میان سرمایه‌گذاران ایجاد کرده است.

در بازارهای موازی، دلار در بازار آزاد که شب گذشته در سطح ۹۹ هزار و ۶۰۰ تومان معامله می‌شد، در معاملات روز چهارشنبه تا حوالی ۱۰۰ هزار تومان پیش رفت، اما در ادامه با عقب‌نشینی به میانه‌های کانال ۹۹ هزار تومان بازگشت. در بازار طلا و سکه نیز هر گرم طلای ۱۸ عیار به قیمت ۸ میلیون و ۸۷۰ هزار تومان رسید و سکه امامی با ارزش ۹۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان معامله شد. این نوسانات در بازارهای موازی نشان‌دهنده عدم ثبات در فضای اقتصادی و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است.

به‌طور کلی، بورس تهران در هفته سوم شهریور تحت تأثیر فشار فروش و شناسایی سود سرمایه‌گذاران، روندی نزولی را تجربه کرد. با وجود این، برخی کارشناسان معتقدند که با توجه به ارزندگی نسبی بورس در مقایسه با سایر بازارها، این افت می‌تواند موقتی باشد و فرصت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری ایجاد کند. تحلیلگران توصیه می‌کنند که سرمایه‌گذاران با رصد دقیق شرایط بازار و عوامل اقتصادی، تصمیمات خود را با دقت بیشتری اتخاذ کنند. .



سال هشتم شماره ۲۰۶۴
پنج‌شنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۴

بررسی رویدادهای اجتماعی

کوچه

مدیریت ۵۰ ساله

علی محمد مختاری بعد از نیم قرن مدیریت از سازمان بوستان‌های شهرداری کنار گذاشته شد



مساله‌بازنشستگی

یکی از عمده‌ترین انتقادات به مختاری، تداوم طولانی‌مدت او در این سمت بود. باوجود قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان، مختاری توانست همچنان در رأس سازمان بوستان‌ها باقی بماند. این مساله باعث اعتراضاتی شد که به‌ویژه در شورای شهر مطرح گردید. اعضای شورا به ویژه اعضای شورای پنجم بارها از لزوم رعایت قانون بازنشستگی و استفاده از نیروهای جدید و جوان‌تر برای پیشبرد اهداف شهری سخن گفتند. بعد از کنار گذاشتن او بسیاری از فعالان مدنی و رسانه‌ها خواستار شفاف‌سازی و بررسی دقیق عملکرد سازمان بوستان‌ها و فضای سبز تهران در سال‌های اخیر شدند. یکی از مهم‌ترین نکات مورد انتقاد، نبود شفافیت در قراردادهای و نحوه هزینه‌کرد بودجه‌ها بود. بولتن‌نیز در گزارشی تأکید کرده که تداوم مدیریت طولانی‌مدت مختاری باعث کاهش شفافیت و بسته شدن مسیرهای تصمیم‌گیری در سازمان بوستان‌ها شده است. به همین دلیل بسیاری از منتقدان خواستار حسابرسی دقیق از عملکرد مالی و پروژه‌های اجرایی او هستند.

گزارش ویژه

بالاترین نشان مسوولیت اجتماعی کشور به همراه اول تعلق گرفت

در پنجمین جشنواره روابط‌عمومی و مسئولیت اجتماعی که با شعار «برند خوب» برگزار شد همراه اول موفق به کسب عالی‌ترین نشان مسئولیت اجتماعی ایران شد. این جشنواره روز سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ در تالار قلم کتابخانه ملی با حضور نمایندگان و سازمان‌های پیشرو در حوزه مسئولیت اجتماعی و مهمانان ویژه مانند محمد نوری، رئیس‌جمهور و علی‌داری، قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی برگزار گردید. هدف اصلی این جشنواره، ترویج فرهنگ مسئولیت اجتماعی و بررسی آن از دیدگاه ارتباطات بود. ناتاشا پاولویچ، رئیس انجمن بین‌المللی روابط عمومی (IPRA) در پیام خود به اهمیت مسئولیت اجتماعی اشاره و تأکید کرد که امروزه با پیشرفت هوش مصنوعی، نگرانی‌های اخلاقی در فضای ارتباطات جهانی افزایش یافته است. این جشنواره همچنین با ارزیابی و تقدیر از سازمان‌های فعال در این حوزه، سه سطح «در حال رشد»، «رشد یافته» و «پیشرو» را برای معرفی بهترین‌ها در نظر گرفت.

مسئولیت اجتماعی در این جشنواره به عنوان یکی از ارکان اصلی سرآمدی شناخته شده است که به فعالیت‌های سازمان‌ها در حفظ استانداردهای زندگی و رشد جامعه از طریق اقداماتی فراتر از الزامات قانونی اشاره دارد. در این راستا همراه اول بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه کشور که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی خود را در سه محور «حمایت‌گری و اسپانسر»، «فعالیت‌های بشردوستانه» و «محیط زیست» تعریف کرده است، دو نشان برتر این جشنواره را دریافت کرد. هیات داوران این جشنواره به دلیل توجه ویژه مدیریت ارتباطات همراه اول به مسئولیت اجتماعی، نشان عالی مسئولیت اجتماعی را به این شرکت اعطا کردند. همچنین نشان «سفیر مسئولیت اجتماعی» نیز به مهدی اخوان‌بهباسادی، مدیرعامل همراه اول به‌خاطر اهتمام و ویژه‌اش در ترویج مسئولیت اجتماعی تقدیم شد.

در بیانیه پایانی هیات داوران تأکید شد که مسئولیت اجتماعی دیگر یک شعار نیست بلکه راهبردی اساسی برای بقا و اعتبار پایدار سازمان‌هاست. این جشنواره با هدف شفاف‌سازی، پاسخگویی و ترویج گفت‌وگو مسئولیت‌پذیری ارتباط‌محور برگزار شد و نشان داد که حرکت به سمت شفافیت و ارتباطات کرامت‌محور، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای سازمان‌ها و شرکت‌هاست.

مختاری گسترش یافت. با این حال گزارش‌ها حاکی از آن است که بحران کم‌آبی در این مناطق باعث خشک شدن بسیاری از درختان و کاهش تراکم جنگل‌ها شده است. به‌طور کلی بحران آب و تأثیرات منفی آن بر فضای سبز تهران بود. در این دوران، حجم بالای آب مصرفی برای آبیاری درختان و فضای سبز باعث شد که در بسیاری از مناطق، منابع آبی به شدت کاهش یابد. در گزارشی از خبرگزاری مهر، مختاری اعلام کرد که از ۵۷۰ حلقه چاه شهرداری بیش از ۲۰۰ حلقه از مدار خارج شده و ۱۰۸ حلقه به‌طور کامل خشک شده‌اند. این مساله منجر به آسیب به حدود یک‌چهارم فضای سبز تهران شد و در نتیجه، بحران خشکی در گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهند، درختانی که برای فضای سبز تهران انتخاب شدند، نیاز زیادی به آبیاری داشتند و در عمل بسیاری از گونه‌های درختی کاشته‌شده با اقلیم تهران سازگاری نداشتند. به همین دلیل استفاده از چاه‌های عمیق برای تأمین آب این درختان به یک معضل بزرگ تبدیل شد.

تعدادی از شرکت‌های سودجو با ارائه اطلاعات اشتباه باعث قطعی آنتن ۱۲ هزار دارنده آیفون شدند

کشف تخلف و قطع موقت آنتن

به دنبال کشف این جعل، سامانه همتا برای مشخص شدن وضعیت دستگاه‌ها، اقدام به قطع موقت سرویس کرد. رئیس انجمن واردکنندگان موبایل اعلام کرد که با توجه به شرایط موجود آمده، سامانه همتا برای بررسی و تشخیص، آنتن حدود ۱۲ هزار دستگاه را خاموش کرده و نهادهای نظارتی و امنیتی به شدت پیگیر موضوع هستند. وی اذعان کرد که این اقدام با هدف جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان صورت گرفته و قرار است، گوشی‌های در دست مردم به سرعت دوباره فعال شوند اما گوشی‌های موجود در فروشگاه‌ها تا تعیین تکلیف رجیستر در وضعیت تعلیق باقی خواهند ماند. او همچنین اضافه کرد که حدود ۱۰ تا ۱۱ شرکت متخلف شناسایی شده و تعدادی از مدیران این شرکت‌ها ممنوع‌الخروج شده‌اند.

قصور نهادهای نظارتی

به رغم بی‌انصافی واردکنندگان متخلف، اصلی‌ترین سوال افکار عمومی این است: چگونه چنین تخلف آشکاری ماه‌ها ادامه یافته است؟ مطابق گفته‌های مسئولان صنفی، این شرکت‌ها از اوایل سال یا حتی از سال گذشته این شیوه را به کار گرفته‌اند. بنابراین قطعاً نهادهای نظارتی در وزارت صمت و گمرک در انجام وظایف خود کوتاهی کرده‌اند. سامانه همتا و سامانه گارانتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که شناسه‌های گوشی، مدل و برند کالا را به صورت بلادرنگ تطبیق دهند و هرگونه مغایرت را قبل از عرضه در بازار شناسایی کنند. اما به گفته اسدی، حتی فروشندگان هم نمی‌توانستند از طریق سامانه همتا مغایرت را ببینند؛ یعنی سامانه در نمایش اطلاعات ناقص بوده است. این ضعف باعث شد، واردکنندگان سودجو بتوانند با عوض کردن شناسه‌ها ۳۸ میلیون تومان از حقوق گمرکی هر دستگاه را نپزدانند و در واقع «به جیب دولت دست ببرند».

شانه خالی کردن وزیر ارتباطات

وزیر ارتباطات تلاش کرد نشان دهد که وزارت او مسئول مستقیم نیست. اما یادآوری کرد که سامانه رجیستری – هرچند زیر نظر وزارت صمت– بخشی از نظام حاکمیتی است و این نظام باید به صورت یکپارچه عمل کند. وقتی این حجم از جعل و قاچاق رخ می‌دهد، بی‌شک نقص در فرآیند کنترل چندلایه وجود دارد. پیگیری این موضوع و اعمال جریمه فقط به عهده گمرک یا سازمان تعزیرات نیست؛ دولت باید ساختارهای فنی را اصلاح کند. حتی اگر فرض کنیم وزارت ارتباطات مسئول نیست، وزارت صمت باید بپذیرد که ضعف سامانه‌ای و نظارتی

فناوری

ناگهان آنتن‌ها پرید

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



سامانه همتا آنتن حدود ۱۲ هزار دستگاه آیفون را طی چند روز گذشته قطع کرده است. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دیروز در واکنش به این اعتراضات اعلام کرد که «تعدادی گوشی آیفون عملاً با نام برند دیگری وارد کشور شده‌اند» و بهره‌بردار سامانه رجیستری وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) است. به گفته او، از صنف و بخش خصوصی دعوت شده تا تعامل صورت گیرد و دولت توجه ویژه‌ای به حقوق مردم دارد تا این موضوع مدیریت شود.

ماجرا از چه قرار بود؟

ابتدا تصور می‌شد که مشکل مربوط به رجیستر نشدن آیفون‌های جدید است. اما بررسی‌ها نشان داد که برخی شرکت‌های واردکننده مرتکب تخلف شده‌اند. انجمن واردکنندگان موبایل در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایسنا تشریح کرد که چند شرکت، گوشی‌های گران‌قیمت از جمله آیفون و سری پرچمدار سامسونگ را به نام برندهای ارزان‌تر مانند شیائومی وارد کرده‌اند. قوانین گمرکی ایران برای موبایل‌های گران‌تر از ۶۰۰ دلار حقوق ورودی ۳۰ درصدی در نظر می‌گیرد، در حالی که گوشی‌های زیر ۶۰۰ دلار فقط ۵ درصد حقوق ورودی دارند. از این تفاوت بزرگ استفاده شده و واردکنندگان با پرداخت تنها ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان حقوق ورودی برای هر گوشی از پرداخت ۳۸ میلیون تومان عوارض واقعی فرار کرده‌اند. این عمل در عمل «سرقت حقوق دولتی» محسوب می‌شود زیرا علاوه بر فرار مالیاتی، رقابت منصفانه را نیز مخدوش می‌کند.

روش دور زدن سامانه‌ها

بر اساس گزارش‌ها، این واردکنندگان گوشی‌های آیفون را با شناسه‌های ساختگی و جعلی به عنوان مدل‌های ارزان‌قیمت اظهار کرده‌اند سپس همان دستگاه‌ها را در سامانه همتا رجیستر نموده‌اند. در ظاهر سامانه همتا مشخصات واقعی دستگاه را به خریدار نشان می‌داد؛ بنابراین مصرف‌کنندگان نمی‌توانستند متوجه مغایرت شوند. اما سامانه گارانتی که توسط وزارت صمت مدیریت می‌شود با مقایسه شناسه‌های دریافتی متوجه شد، مشخصات برخی گوشی‌ها با مدل‌های ثبت شده هماهنگ نیست بنابراین دولت مجبور شد، دستگاه‌ها را بررسی کند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۹۱

ادامه شنبه ۶ اسفند

باز داشت تعدادی از همفکران حسن‌الترابی

چند روز است که آقای حسن‌الترابی، رئیس مجلس سودان بازداشت شده؛ گفته شده که با شورشیان جنوب علیسه دولت [عمر] البشیر، [رئیس‌جمهور سودان] هماهنگ شده بوده؛ چند سالی است که با رئیس‌جمهور اختلاف پیدا کرده‌اند؛ قبلاً خیلی دوست بودند و پس از بروز اختلاف، من به آنها تذکر دادم که نگذارند به جای تُندی برسند. تعدادی از همفکرانش هم بازداشت شده‌اند. آقای [حسین] قاسمی، مدیرعامل جدید [منطقه آزاد] کیش آمد. برای عید دعوت کرد و در مورد برنامه‌ها توضیح داد که به نظر واقع‌بینی در آن کم است.

یک‌شنبه ۷ اسفند

شرحی از مشکلات مردم و ناراضی‌تی‌ها

سران مؤسسه خبریه جهان معاصر آمدند. [آقای حبیب‌الله زنجانی، رئیس مؤسسه] توضیحاتی دربارهٔ اساننامه و اهداف و راهکارهایشان دادند. می‌خواهند از طریق کمک‌های مردمی و کارهای مشاوره‌ای و علمی، کارهای خیر داشته باشند؛ جمعی از بازنشستگان تحصیلم‌کرده هستند. آقای [علی] زادسر نماینده سابق جی‌رفت آمد. برای شرکت در انتخابات میان‌دوره‌ای آماده شده و گفت، آقای [سیدمحمد] خاتمی [رئیس‌جمهور]، در سفر اخیر به جی‌رفت به نحوی از رقیب او حمایت کرده، ولی فکر می‌کند که به خاطر عدم اقدام قابل‌توجهی برای جی‌رفت در این سفر و اشتباه لفظی ایشان در سخنرانی که چند بار به جای جی‌رفت، جهرم گفته است و مردم در آنجا فریاد زده‌اند، جی‌رفت، [تواند رأی بیاورد]. از خسارات خشکسالی و سرمازدگی منطقه شرعی داد و از حسین مرعشی، [نماینده کرمان] گله داشت که او را تضعیف می‌کند.

آقایان [امیر] تهرانی و [غلامحسین] بلندیان، معاونان وزارت اطلاعات و وزارت کشور آمدند و شرعی از مشکلات مردم و ناراضی‌تی‌ها و ناامنی‌ها دادند و از شرایط جاری، اظهار نگرانی کردند. نظرشان این بود که باید برای نجات انقلاب و کشور اقدامی کنیم. آقای بلندیان گفت وقتی آقای [عبدالله] نوری در دولت آقای خاتمی وزیر کشور بود به خود آقای نوری و آقای خاتمی گفته که بعضی کارهای آقای نوری مثل اپوزیسیون است که آقای [مصطفی] تاج‌زاده، گفته این از آثار جامعه مدنی است که معاون وزیر از وزیر و رئیس خود انتقاد می‌کند. گفت در جلسه فرمانداران احساس کرده که آنها دل‌سرد شده‌اند.

عصر آقای خوری، مدیر برنامه‌های هلی‌کوپترها و خلبانان آشیانه [جمهوری] در سفرها آمد. بازنشسته شده و با توصیه من، رهبری دستور دادند، درجه به او بدهند که هنوز داده نشده و مشکل مسکن هم دارد. عقد ازدواج دختریکی از پاسداران محافظ – آقای شعبانی – را بستم. محسن، [سرپرست دفتر ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام] ناهار کاری را با من خورد. فاطمی آمد و راجع به [مشکل] زانویش و امور خانوادگی صحبت کردیم.

دوشنبه ۸ اسفند

دیدار با جمعیت ستاد کمک به زندانیان

جمعیت ستاد کمک به زندانیان پدهکار [= ستاد دبه] آمدند که برای پرداخت دیون زندانی‌ها کمک می‌کنند تا از زندان آزاد شوند. در سال ۱۳۶۹ به پیشنهاد من و همکاری شهید [اسدالله] لاجوردی، [رئیس وقت سازمان زندان‌ها] این جمعیت تشکیل و قرار شد هر مبلغ که از مردم کمک جمع کنند، دولت به همان اندازه بدهد و آن سال ۵۵ میلیون تومان جمع‌آوری کردند و من هم ۵۵ میلیون تومان پرداختم. کارشان تاکنون ادامه دارد و امسال تعداد زیادی را آزاد کرده‌اند؛ هزار زندانی مربوط به چک و تعداد زیادی مربوط به دبه هستند که هزار نفر از آنها را مستحق پرداخت بدهی تشخیص داده‌اند و برای نجات آنها ۳۶ میلیارد تومان نیاز است.

علیرضا گوهری

روزنامه‌نگار

نخستین روز مرداد مصادف است با تولد عالم و دانشمندی که به یکی از پرآوازه‌ترین چهره‌های فلسفه، عرفان و انسان‌گرایی در ایران بدل شد. محمدتقی جعفری، متفکری که مرزهای سنت و مدرنیته را با قلمی پرشور و ذهنی بی‌قرار درنوردید، در طول ۷۵ سال زندگی‌اش نه فقط به تفسیر متون دینی پرداخت بلکه کوشید تا با جهان سخن بگوید؛ جهانی که در آن انسان، عقل، ایمان و زیبایی در گفت‌وگویی بی‌پایان به هم می‌رسند. او در سال ۱۳۷۷ در لندن درگذشت اما میراث فکری‌اش همچنان در متن اندیشه ایرانی جاری است؛ میراثی که از نهج‌البلاغه تا مثنوی، از خیام تا راسل، از نجف تا آکسفورد و از حوزه تا دانشگاه گسترده است. اینک در سالگرد تولدش، بازخوانی زندگی و اندیشه‌های او نه فقط ادای دین به یک متفکر بلکه دعوتی است به تأمل در معنای انسان بودن در عصر ما.

علامه جعفری را نمی‌توان صرفاً در قالب یک عنوان یا تخصص محدود کرد؛ او از آن دسته متفکرانی بود که مرزهای میان فلسفه، عرفان، فقه، هنر، ادبیات و علوم انسانی را درنوردید و کوشید تا در جهانی پراشتوب، پلی میان سنت و مدرنیته، شرق و غرب، دین و دانش و انسان و حقیقت بنا کند. در روزگاری که بسیاری از روشنفکران ایرانی یا دیگر سیاست‌بوندی یا در جست‌وجوی هویت، جعفری راهی دیگر برگزید: راه گفت‌وگو با جهان، از دل سنت، با زبانی فلسفی و نگاهی انسانی.

محمدتقی جعفری در اول مرداد ۱۳۰۲ در خانواده‌ای مذهبی و متواضع در تبریز به دنیا آمد. پدرش، کریم شاطر‌جعفری، ناوا بود و مادرش، سیده‌کوکب ربیعی، زنی باسواد و دیندار. از همان کودکی نشانه‌های نبوغ در جعفری آشکار بود؛ حافظه‌ای خارق‌العاده، علاقه‌ای بی‌پایان به خواندن و ذهنی پرسش‌گر. او خواندن و نوشتن را پیش از ورود به مدرسه از مادرش آموخت و در مدرسه اعتماد تبریز به دلیل توانایی‌هایش از کلاس چهارم آغاز کرد. اما فقر مالی، او را ناگزیر کرد تا مدرسه را ترک کند و به کار بپردازد. با این حال نیمی از روز را کار می‌کرد و نیمی دیگر را در مدرسه طلبیه تبریز به تحصیل علوم دینی مشغول بود. در همان سال‌ها، حافظه‌اش چنان قوی بود که کلیله و دمنه را از حفظ می‌خواند و شرح می‌داد.

در ۱۵ سالگی، راهی تهران شد و در مدرسه فیلسوف، واقع در جوار امام‌زاده اسماعیل به تحصیل ادامه داد. از محضر استادانی چون شیخ محمدرضا تکابانی و میرزا مهدی آشتیانی بهره برد سپس به قم رفت، در مدرسه دارالشفای اقامت کرد و لباس روحانیت پوشید. پس از یک‌سال‌و‌نیم، در سال ۱۳۲۷ رهسپار نجف شد و در مدرسه صدر، درس خارج را آغاز کرد. در نجف از محضر آیات عظامی چون سیدابوالقاسم خویی، سیدعبدالله‌ی شیرازی، سیدمحسن حکیم و دیگر بزرگان بهره برد و دروس فلسفی و عرفانی را نزد شیخ صدرای قفقازی و

شیخ مرتضی طالقانی فرا گرفت. هم‌زمان به مطالعه کتب علوم انسانی پرداخت و با اندیشه‌های شرق و غرب آشنا شد. در ۲۳ سالگی به درجه اجتهاد رسید و پس از ۱۱ سال اقامت در نجف در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشت.

بازگشت جعفری به ایران، آغاز دوره‌ای تازه در زندگی علمی و فکری او بود. ابتدا به مشهد رفت، سپس به تهران آمد و در مدرسه مروی به تدریس پرداخت. برخلاف بسیاری از روحانیون، مسئولیت امام‌جماعت را نپذیرفت و ترجیح داد وقت خود را صرف تحقیق، تألیف و تدریس کند. او تا پایان عمر در تهران زیست و نوشت و در سال ۱۳۷۷ در لندن درگذشت. پیکرش در رواق دارالزه‌د حرم امام رضا در مشهد به خاک سپرده شد.

جعفری را باید از منظر اندیشه‌شناخت؛ اندیشه‌ای که در پی فهم انسان، جهان و حقیقت بود. او در آثارش، کوشید تا پرسش‌های بنیادین فلسفه، دین و اخلاق را با نگاهی تطبیقی



و تحلیلی بررسی کند. یکی از ویژگی‌های برجسته جعفری، گفت‌وگو با متفکران غربی بود. او با برتراند راسل، فیلسوف و ریاضیدان انگلیسی، مکاتباتی داشت و درباره موضوعاتی چون آزادی، عشق، صلح و حتی فیزیک کوانتوم با او بحث کرد. این مکاتبات، نشان از ذهنی باز و جهانی دارد؛ ذهنی که نه در حصار سنت گرفتار بود و نه در دام تجدد بی‌ریشه.

جعفری در آثارش به موضوعاتی چون انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، اخلاق، عرفان، فلسفه دین، زیبایی‌شناسی، حقوق بشر و نقد اندیشه‌های غربی پرداخت. او بیش از ۸۰ جلد کتاب تألیف کرد.

یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه جعفری، «حیات معقول» است؛ مفهومی که او در آثار متعدد خود به آن پرداخته و کوشیده تا زندگی انسانی را در پرتو عقل، ایمان و اخلاق معنا کند. حیات معقول به تعبیر جعفری، زندگی‌ای است که در آن انسان با بهره‌گیری از عقل و ایمان به سوی کمال حرکت می‌کند و در مسیر حقیقت، زیبایی و عدالت گام برمی‌دارد. این مفهوم در برابر زندگی سطحی، مصرف‌زده و بی‌ریشه‌ای قرار دارد که در جهان مدرن، انسان را از خود و حقیقت دور کرده است.

جعفری، برخلاف بسیاری از متفکران سنتی، نگاهی باز به هنر، موسیقی و زیبایی داشت. او در کتاب «موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی» کوشید تا موسیقی را نه از منظر فقهی بلکه از منظر فلسفی و روان‌شناختی بررسی کند و نشان دهد که هنر، می‌تواند راهی به سوی تعالی انسان باشد. در آثارش بارها از حافظ، مولوی و خیام یاد کرده و کوشیده تا شعر فارسی را در پرتو فلسفه و عرفان تحلیل کند. او معتقد بود که شعر، زبان حقیقت است و می‌تواند، انسان را به سوی معنا و کمال رهنمون سازد. در حوزه حقوق بشر، جعفری از بنیان‌گذاران اعلامیه حقوق بشر اسلامی بود و کوشید تا مفاهیم حقوقی را در پرتو آموزه‌های اسلامی بازخوانی کند. او معتقد بود که حقوق بشر باید بر پایه کرامت انسانی، عقلانیت و عدالت بنا شود و نباید در دام نسبی‌گرایی یا تحمیل فرهنگی گرفتار شود. در این زمینه آثار او همچون «حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب» نشان از تلاش او برای گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها دارد.

جعفری در کنار تألیف، تدریس و... به دعوت دانشگاه‌ها و مراکز علمی در اروپا و آمریکا سفر کرد و در کنفرانس‌های بین‌المللی درباره فلسفه، دین و حقوق بشر سخنرانی کرد. در لندن، در واپسین سال‌های عمر همچنان به نوشتن و گفت‌وگو ادامه داد؛ بی‌آنکه بیماری و کهولت از شور اندیشه‌اش بکاهد. در همان شهر، در بیمارستان سنت مری در ۲۵ آبان ۱۳۷۷ چشم از جهان فرو بست؛ اما اندیشه‌اش همچنان زنده و جاری است. محمدتقی جعفری را نمی‌توان در قاب‌های رایج طبقه‌بندی کرد. او نه صرفاً یک فیلسوف اسلامی بود، نه فقط یک مفسر دینی، نه تنها یک عارف و نه یک روشنفکر غرب‌گرا. او از آن دسته اندیشمندانی بود که در دل سنت زیست اما با جهان سخن گفت؛ که از متن دین برخاست اما به زبان فلسفه نوشت؛ که از حافظ و مولوی آموخت اما با راسل و هیوم بحث کرد؛ که در حوزه درس خواند اما در دانشگاه تدریس کرد؛ که در تبریز زاده شد اما در لندن درگذشت؛ او که در ایران زیست اما برای جهان نوشت.

در روزگاری که گفت‌وگو میان سنت و مدرنیته، دین و دانش، شرق و غرب و انسان و حقیقت بیش از هر زمان دیگری ضروری است، بازخوانی اندیشه‌های جعفری نه فقط یک وظیفه علمی بلکه یک نیاز انسانی است. او کوشید تا انسان را در مرکز اندیشه قرار دهد؛ انسانی که با عقل، ایمان، اخلاق و زیبایی می‌تواند به سوی کمال حرکت کند. او از حیات معقول گفت، از کرامت انسان، از گفت‌وگوی تمدن‌ها، از زیبایی شعر، از حقیقت دین و از مسئولیت اندیشه.

اکنون فرصتی است برای تأمل در میراث او؛ میراثی که نه در قالب کتاب‌ها بلکه در جان اندیشه جاری است. او به ما آموخت که می‌توان از دل سنت برخاست و با جهان سخن گفت؛ که می‌توان دین را با عقل فهمید و عقل را با عشق معنا کرد؛ که می‌توان در تبریز زاده شد، در نجف درس خواند، در تهران نوشت و در لندن درگذشت اما همچنان ایرانی، جهانی و انسانی ماند. و شاید، در روزگاری که اندیشه در محاصره تعصب، سطحی‌نگری و مصرف‌زدگی است، بازگشت به جعفری، بازگشت به حیات معقول باشد.



الف) رسید بانکی واریز وجه مزبور به شماره حساب سپرده ضمانت شرکت در مزایده ۰۱۱۳۹۹۴۴۵۶۰۱ نزد بانک ملی شعبه شهر اندیشه کد ۲۴۱۷

ب) ضمانت نامه بانکی

تذکر ۱: مدت تضمین فوق می‌بایست در زمان بازگشایی پیشنهاد قیمت دارای اعتبار باشد و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد و علاوه بر آن ضمانت نامه های بانکی باید طبق فرمهای قابل قبول تنظیم شود.

تذکر ۲: به پیشنهادهایی که سپرده شرکت در مزایده آنها به غیر از موارد فوق باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده:

متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده می‌بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir اقدام نمایند

۵- مهلت و محل دریافت اسناد مزایده:

از تاریخ انتشار آگهی لغایت پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۶ و محل دریافت آن صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir می‌باشد.

۶- مهلت و محل تسلیم پیشنهادات:

متقاضیان می‌بایست پاکت های پیشنهاد قیمت خود را که برابر شرایط مندرج در کار برگ مزایده تنظیم شده است را حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ در سامانه تدارکات الکترونیک دولت www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.

تذکر: در جلسه بازگشایی صرفاً اسناد دارای امضاء الکترونیکی مورد پذیرش است.

۷- تاریخ و محل بازگشایی پیشنهادات:

روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir می‌باشد.

۸- هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده موضوع مزایده است.

۹- شهرداری اندیشه در رد یا قبول تمام پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار می‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۶/۲۷